



۳۰ اردادماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی
 ۵ رمضان ۱۳۹۷ هجری
 ۲۱ اوت ۱۹۷۷ میلادی
 پنجشنبه

مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز یکشنبه (۳۰) اردادماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

فهرست مطالب:

آموزگار.

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
- ۲ - ادامه مذاکره در برنامه دولت آقای جمشید
- ۳ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

جلسه فوق العاده مجلس ساعت ۹ بعد از ظهر برباست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

رئیس - وارد دستور میشود برنامه دولت جناب آقای دکتر جمشید آموزگار مطرح است ، آقای دکتر اربابی تشریف بیاورید .

دکتر پرویز اربابی اناری - جناب آقای رئیس ، همکاران محترم ، هیات محترم دولت ، در پایان جلسه قبل بنده موضوعی را عنوان کردم مربوط به مشکلات آموزش عالی در کشورمان و اکنون که برنامه مطرح است در حقیقت عنایت و توجه به سیاست های کلی و تأکید بر اولویتها و همچنین توجه به ضرورت هایی که گذشت حتی یک سال ممکن است آنرا مشکلتر کند تشخیص دادم در مورد این مطلب مطالبی عنوان کنم . بطور خلاصه عنوان کردم که مسائل دانشگاهها مشکل از مشکل دانشگاهی و مشکل استاد و نارسائی مدیریت است . در مورد گزینش دانشجو همه خانوادهها و ملت ایران اکنون متوجه هستند که به چه ترتیب جوانان ما باید به دانشگاه ها دسترسی پیدا کنند . ایرادی که بنده اینجا عنوان کردم مربوط است به سیستم گزینش دانشجو و اشاره نموده که توجهی که وزارت علوم به نمرات دبیرستانی مسمی کند متعسر شده است .

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(شرح زیر خوانده شد)

آقایان: آشوریان - آصف - دکتر ابوالهدی -

اسکندری - اعظمی - امیر عشایری - اهری - بارکزی - بتکدارپور - بنی احمد - بهبهانی - بهره‌مند - پزشکیپور - جندی - جوکار - دکتر چهارزی - جنتی - حیدرزاده - خزیمه - ذوالفقاری - دکتر رئیس - رئیس اردکانی - رهبر - سهرنگ زاده - سعادت قدس نیا - سلیمانی - کریم بخش سعیدی - شریعت - شهبازی - مهدی شیخ الاسلامی - رحیم شیخ الاسلامی - نوذر صادقی - صدر - صدیق زاده - عطائی - غلامرضا غضنفری - فرمان - فلاح مقدم - قاسمی - مجتهدی - محمد خانلو - شیر - معززی - منصوریان - مهرزاد - میراشاری - ناظمی - دکتر نصیری - وزیری - یاسینی - هاشمی .

بانوان : اباصلتی - افشار جعفری - برومند - جهانبانی - ضرابی - مثنائی - هاشمی - وحیدی - داودی .

۲ - ادامه مذاکره در برنامه دولت آقای دکتر جمشید

آموزگار .

که دانش آموزانی که بلحاظ دسترسی به امکانات و رفاه نسبی تعلیم و تربیت همیشه شانس بیشتری دارند که به آموزش عالی دسترسی پیدا کنند. حتی کسانی اگر دانشجویانی که در سه سال اخیر به دانشگاهها وارد شده آنها را در یک دیدگاه علمی بررسی کنیم می بینیم از طبقات روستائیان کارگران و خانواده های متوسط ایرانی برخلاف پنج سال قبل تعدادشان کاهش پیدا کرده است و این سیستم گزینش خط بزرگی برای ما ایجاد می کند که ما میرویم تا آموزش عالی را طبقاتی کنیم و این حالتی است که ما در گذشته داشتیم که خانواده های مرفه و پولدار فرزندان شان به تحصیلات عالی بیشتر دسترسی داشتند تا خانواده های کم درآمد و متوسط اکنون که جامعه ما با برخورداری از اصول انقلاب که مبنای منطقی و علمی دارد و در فضای رستاخیز دیگر نمی توان پذیرفت که یک آموزش طبقاتی در کشور ما بوجود بیاید. در دانشکده پزشکی یا پرسشنامه هایی که بین دانشجویان توزیع کرده بودم متوجه شدم تعداد بسیار کمی از شهرستانها و خانواده های متوسط به این رشته دسترسی پیدا کردند. چرا؟ برای اینکه تماشایان دارای معدل ۱۰ به بالا بودند. حالا عرض خواهم کرد که آیا واقعاً معدل ۱۰ یک معیار صحیح است برای سنجش استعدادها و آن امری که شاهنشاه مرتباً تأکید میفرمایند که در تشخیص استعداد جوانها و دانشجویان باید روش های علمی و صحیح بکار برود. اگر ما فراوانی معدل های بالا را در سطح کشور بررسی کنیم می بینیم این فراوانی در تهران زیاد است و در سطح بالا است برای اینکه تهرانیها و تهران نشین ها بطور نسبی به وسایل آموزشی دسترسی بیشتر دارند تا شهرستانیها. اگر ما معدل های بالا را، فراوانی معدل های بالا را در این سه سال اخیر و در ۳ سال اخیر بررسی کنیم پی خواهیم برد که یک گرایش کلی برای معدل سازی در مملکت ما ایجاد شده است و این را باید یک طرح علمی و با یک تست های آماری می توانید این کار را ثابت کنید. چرا، برای اینکه موقعی که پدرش میدانند اگر فرزندش معدل ۱۸ بیاورد به دانشگاه راه میباید تمام تلاشش را می کند تا معدل ۱۸ بیاورد. در نتیجه معلمی که گرایش دارند نمره خوب بدهند اینها در یک معرض پذیرش عمومی قرار میگیرند و بیشتر ترغیب میشوند که نمرات بیشتر بدهند و مؤسساتی که نمرات کمتر میدهند کارشان از رونق می افتد در نتیجه ما میرویم بطرف یک تقلب در نظام آموزشی، و یک گرایش های نامناسبی و بسیار ناپسندی که اکنون مدارس مسائل آموزشی دیدیم

که چگونه دانش آموزان با روش گانگستری سؤالات را دزدیدند یا در شهرستانها به چه ترتیب مقامات منتفذ فرزندان شان همیشه دارای معدل بالا هستند و مقامات سنجش آموزش کشور اقرار کردند که در بین قبول شدگان ۹۰ درصدشان کسانی بودند که از طبقات بالا و دارای معدل بالا بودند. پس بنده اعتقاد دارم هر مملکتی یا هر فردی یا هر سازمانی در روشهای کار خود یا باید مبتکر باشد یا مقادیر ترکیبی از این دو روش. مسأله آموزش و تعلیم و تربیت یک مسأله ای است که باندازه انسانها قدمت دارد خود شاهنشاه فرمودند که هدف از انقلاب آموزشی ابداع یک فلسفه آموزشی که در دنیا وجود دارد، نیست بلکه یک روش دیگری است که ما می خواهیم روش های صحیح آموزشی را در اسرع وقت پیاده کنیم و ایرانیان به یک سطح بالائی از دانش و تخصص دست پیدا کنند. در نتیجه من بعنوان یک دانشگاهی و نماینده مردم و پرورده انقلاب ایران صادقانه عرض می کنم. که بطور خود آگاه یا ناخود آگاه این سیستم گزینش دانشجو را کسانی که پیاده کردند در حقیقت به جوانان ما خیانت کرده اند. باید دولت جناب آقای آموزگار خیلی جدی جلوی اینکار را بگیرد و گزینش دانشجو تابع منطق صحیح علمی بشود چون بنده بارها در مدارس مختلف در مورد این موضوع صحبت کرده ام و همیشه از مجریان شنیدم که تعدادی از صندلیهای ما خالی است، تعداد صندلیها محدود است و باید دانشجو را به حال پذیرفت، چه کنیم؟ بنده میگویم ما باید در زیر چادرها و در زیر درختها و در محوطه باز حتی کلاس درس تشکیل بدهیم. بنده اعتقاد دارم تعداد دانشجویان ما میتواند به سه برابر افزایش پیدا کنند. ما از نیروی استادان خود حداکثر استفاده را نمی کنیم طبق همین گزارش رسمی کنفرانس آموزشی هر استاد هشت ساعت درس میدهد ولی بنده از همکاران خود استادان زیادی را می شناسم که از اول فروردین ماه تا بیست اسفند همان سال حتی یک ساعت تدریس نمی کنند ولی بعنوان استاد تمام وقت پول میگیرند باید در این مورد کنترل دقیق بشود ملت ایران باید تابع یک انضباط صحیح و دقیق بشود، ما اگر انضباط داشته باشیم خوب کار میکنیم. در تمام طول تاریخ دیدیم وقتی انضباط و کنترل وجود داشت پیشرفت کردیم ما باید از استادان خود حداکثر استفاده را در امر تدریس و آموزش ببریم یعنی با انضباطی که در همه جا حکم فرما خواهد بود

کلاسهای خالی دانشگاهها را پر کنیم. وزیر سابق وزارت علوم استدلال میکرد که بیست و پنج درصد دیپلمه ها در امریکا بدانگاه راه می یابند در صورتیکه در ایران این رقم به سی درصد میرسد. بنده با تواضع عرض میکنم این استدلال صحیح نیست ما نمی توانیم مملکت خودمان را با هیچ مملکت دیگر مقایسه کنیم. ما شصت هزار روستا داریم که احتیاج به مربی دارد ما پزشک کم داریم ما پرستار کم داریم ما قاضی و افسر و متخصص کم داریم باید آدم پرورش دهیم ما نباید از بی کاری تحصیل کرده ها بترسیم ما بطرف معیادگاه بزرگ و تمدنی بزرگ میرویم حتی بقال و پاسانهای ما هم باید دارای تحصیلات لیسانس باشند. ما باید آدم بسازیم لیسانس بودن حتماً این نیست که کارمند دولت باشد در مشاغل غیر دولتی هم افراد باید خوب کار کنند و خوب زندگی بکنند چه زندگی خوب بایک زندگی با دانش همراه است چه عیب دارد که کشاورزان ما همه تحصیل کرده باشند بنده اعتقاد دارم یکی از مهمترین اولویت های مملکت ما رسیدگی به آموزش عالی و جلوگیری از ضایعات برای جوانان تحصیل کرده است. این دختران و پسران هجده نوزده ساله که دیپلم روی دستشان مانده و نمی دانند چه بکنند در ظرف سه سال تعداد دانشجویان خارج را به چهار برابر افزایش داده اند بنده قبول ندارم که آمار آموزش عالی را در خارج پنجاه هزار دانشجو بدانیم. ما در خارج دویست هزار سیصد هزار نفر دانشجو داریم در ترکیه دوازده هزار دانشجوی ایرانی وجود دارد و اینها دانشجویانی هستند که در سه سال اخیر بعنوان دانشجو در ترکیه بوده اند. حتی یکبار هم امتحان نداده اند و بدلیل بعضی مسائل داخلی خود این مملکت اکثر اینها از استانهای آذربایجان هستند بخاطر آشنائی که با زبان آنها دارند. در افغانستان، در پاکستان، در هندوستان و حتی در فیلیپین و کشورهای دیگر ایران اینها نمی رفتند الان میروند که تحصیل کنند. تمام اینها دارای معدل پائین هستند ولی بنده باید یک مسئله را در اینجا عرض کنم. یکی از همکاران اشاره فرمودند که ما تبعیض قائل میشویم بین تحصیل کرده های خارج و آنها که در داخل تحصیل کرده اند. کاملاً صحیح است، ما بهترین ها را انتخاب میکنیم و بدانگاه خودمان میفرستیم ولی آنها تیکه دارای معدل پائین تر هستند دو راه دارند یا بی پول هستند و دنبال کارهای کوچک میروند و یا پول دارند و میروند در خارج تحصیل میکنند و برمیگردند و نه تنها بهتر نمی شوند بلکه بدتر هم میشوند

ولی ما آنها را خیلی عزیز میدانیم این چه فلسفه ای است چرا باید عقده خود کم بینی داشته باشیم؟ چرا باید بگوئیم کسی که در دانشگاه ایران درس میخواند سوادش کمتر است؟ کسانی که بخارج میروند بدلیل آشنائی به یک زبان خارجی زودتر مشاغل و مسئولیت های خودشان را انتخاب می کنند. این یک سؤال است. ما خوب ترها را در دامان خودمان پرورش میدهیم و بدترها بخارج میروند ولی آنها که برمیگردند خوبتر میشوند. ما باید روی دانشگاههای خودمان بیشتر تکیه کنیم بنده یک برشی از روزنامه دارم که با خودم آورده ام که نوشته است هزاران دانشجو در رشته دلخواه تحصیل نمی کنند. در همین روزنامه شنبه بیست و نهم امرداد آمده است که چهل درصد دانشجویان امسال در رشته های دلخواه قبول نشده اند. از هر صد نفر چهل نفر برشته ای رفته اند که دوست ندارند برای اینکه گفتار بنده طبیعی باشد، در روزنامه شنبه بیست و نهم مردادماه گلابه یک دانشجو را برای شما میخوانم، یک دانشجوی دانشکده حقوق تهران نوشته است من سال گذشته در این رشته قبول شده ام ولی در تمام عمرم نه به این رشته علاقمند بوده ام و نه اگر قاضی بشوم میتوانم بخوبی وظیفه ام را انجام دهم. من در کلاسهای چهارم و پنجم دبیرستان معدل بالای نوزده داشته ام و معدل کتبی ششم من هفده و نود و پنج صدم بوده است و تنها رشته مورد علاقه من پزشکی است که امسال در کنکور شرکت کردم ولی در رشته زیست شناسی قبول شدم که باین ترتیب نمی توان انتظار داشت که قاضی خوبی برای مملکت باشم نمیخواهم یک نوشته دیگر را بخوانم. دختر خانمی با اسم مهناز صمدیان نوشته در سال قبل با معدل ۱۸/۲ در رشته بازرگانی دیپلم گرفته ام ولی نتوانستم در رشته بازرگانی ادامه تحصیل بدهم بناچار در رشته دکوراسیون ثبت نام کرده ام و یک سال منتظر ماندم تا امسال کنکور دادم و برشته بازرگانی رفتم. و جالب اینکه در ظرف یکسال یک کلمه هم درس نخواندم ولی بصرف اینکه معلم خوب بود امسال توانستم تغییر رشته بدهم. اینها واقعیتی است، تمنائی است، انتقادی است، و نقدی است از جوانان. اگر باینها گوش داده نشود همه مسئول هستیم یک لیسانسیه باید دنبال کاری برود که دوست دارد اگر دنبال کاری که دوست ندارد برود او زندانی دانستنهای خود خواهد بود و استعدادش شکوفا نخواهد شد. پس ما به نیروی انسانی نیاز داریم دانشگاه ما کم است، شصت و نه میلیارد ریال در سال سی و پنج خرج

کردیم ولی از سی هزار قبول شدگان چهل درصدشان راه عوضی رفتند. آنها را کامپیوتر باین راه فرستاده است و استعدادشان بیخ وجه منظور نشده است حالا چگونه میخواهیم این دانشجویان را بازبینی عاطفی در کلاس درس بنشانیم تا باعلاقه درس بخوانند. در سال گذشته دانشگاههای ایران ۳۷۵۰ نفر دانشجو داشتیم آنها کسانی بودند که دو سال متوالی درس نخواندند چرا نخواندند؟ برای اینکه رشتهشان را دوست نداشتند. یک مطلب دیگر عرض کنم سه سال پیش یک نفر شاگرد اول رشته پزشکی شد که معدلش ۱/۵ بود این آدم متفرقه درس خوانده بود چند سال هم از تحصیل دور بود. تحصیل یک مسئله انسانی است یک مسئله ایست که باید با دید انسانی مطرح شود. نمی شود انسانها را دست کامپیوتر و قراردادهای تصنیفی داد. اگر این کار خوب بود پیشروان تحصیلات آکادمیک میکردند. چرا نکردند؟ من کشوری در دنیا سراغ ندارم که چهار صد هزار نفر را تحت یک آزمون امتحان کند و بهترینها را برگزیند. من دلایل علمی زیادی دارم که حاضر هستم در بیستم هریزی با متخصصین امر بنشینم یا قانع کنم یا قانع بشوم و برای این جوانان من اهل شهرستان مشکین شهر هستم از این شهرستان سال گذشته ۱۲۰ نفر دیپلم گرفتند از این عده ۷ نفر به دانشگاه راه یافتند و فقط یک نفر درس می خواند، پس اگر قرار است که مشکین شهر ما هم دارای دانش آموخته باشد باید ما روش آموزش را عوض بکنیم نباید آموزش طبقاتی در مملکت بوجود آید باید علاقمندترین و باذوقترین جوانان بروند تحصیل کنند ما باید دانشگاهی را توسعه بدهیم ولی اولویت دارد هر قدر در این امر ما سهل انگاری بکنیم و یواش برویم از آنطرف شکست بزرگ داریم ساختمان رامیشود یک شبه بالا برد اما انسانها را نمیشود. یک انسان باید ۳ سال آموزش ببیند تا بیک حد بهره‌وری برسد، هر اشتباه در امر آموزش ۳ سال بعد در مملکت ما تأثیر میگذارد من که اینجا هستم نتیجه یک سیستم و تصمیم گیری هستم که ۳ سال قبل انجام گرفته، حال هم که تصمیم گرفته میشود ۳ سال دیگر مؤثر میافتد، مسئله دوم، مسئله استاد، من میدانم کسسه تک تک آقایان وزراء مخصوصاً وزاری قدیمی و اغلب نمایندگان بکرات میدانند ولی ما تأکید می کنیم تا نتیجه گیری کنیم هرگاه بحث شده است در مورد مسائل دانشگاهی اغلب کسانی صحبت می کنند که در گذشته های دور

دانشگاهها به لحاظ مدیریت خاص خودشان به یک مدیریت خاصی احتیاج دارند ما دیدیم افراد گوناگون از بخش های گوناگون بدانشگاهها به عنوان رئیس فرستاده شده اند شاید طبق یک موازین و قراردادهای سابق رؤسای دانشگاهها باید انتخابی باشند، شاید شخصاً اعلیحضرت در انتخاب استادان دانشگاه اراده میفرمایند که نظرشان جای شکی نیست ولی می خواهم این مسأله را عنوان کنم که اعلیحضرت در همین معرنی دولت که باید به رؤسای دانشگاهها باید مسئولیت بیشتری داد و از آنها مسئولیت بیشتری خواست ما اگر یک فرد را از جانی برمی داریم و در دانشگاهی میگذاریم که آنجا را نمی شناسد و به تدریس آشنا نیست و دانشجویان او را نمی شناسند و او به کسانی رئیس میشود که او را نمی شناسند، الان در دانشگاهها پست مدیریت وجود دارد در سطح گروهها، رئیس گروه با رأی مخفی انتخاب میشود ولی رئیس دانشکده و معاونین دانشکده هم انتقالی هستند ظاهراً رئیس دانشگاه را وزیر علوم معرفی می کند آیا بهتر نیست که ما بیائیم به واقعیتها بیندیشیم یک مدیریت واقعی در دانشگاهها مستقر کنیم که بدین ترتیب که رؤسای دانشگاهها را خود اعضای هیئت علمی انتخاب کنند که مسئولیتها مشترکاً بین تمام افراد دانشگاه تقسیم بشود، مطلب دیگر در مدیریت دانشگاهها، متأسفانه در تمام شهرستانها رؤسای دانشگاهها از تهران صادر میشوند، چرا؟ برای من این سؤال بزرگی است که آیا در دانشگاههای شهرستانها استاد نیست، کسی استاد است که در زیر سقف کلاس دانشگاه درس میدهد و یا در زیر سقف کلاس دانشگاه اهواز درس میدهد او نمی تواند رئیس دانشگاه بشود؟ بعضی ها می گویند که مقام ریاست دانشگاه یک مقام سیاسی و فرهنگی است، به نظر بنده همه چیز سیاست است، حتی بسته بندی پیاز هم سیاست است سیاست یعنی چه؟ سیاست یعنی اداره امور مردم و مملکت، سیاست چه است، حل همین مسائل مگر رئیس دانشگاه یک پلیس است، یکی از خبرنگاران از شاهنشاه پرسیده بودند که اعلیحضرتا میگویند در ایران ۶۰ هزار نفر مأمور امنیتی دارید این را چه میفرمائید شاهنشاه فرمودند در ایران ما ۳۵ میلیون نفر مأمور امنیتی داریم (صحیح است) ما که این حرفها را نداریم تمام ملت ایران بهم وابسته است مثل یک جلفه زنجیر بهم متصل شده ایم و متحد هستیم همه ما مأمور امنیت هستیم همه ما با زندان و جنگمان و وطنمان را نگه میاریم ما در این مملکت دنیا آمده ایم و خواهیم

مرد، همانطور که آباء و اجداد ما اینچنین کردند این مسائل دیگر در فضای رستاخیز مطرح نیست، همه مقام سیاسی هستند یعنی چه سیاست اینها یک حرفهای خیلی قلبه سلمه هستند که افکار مردم را ناراحت می کنند، پریشان می کند من بعنوان یک دانشگاہی کم تجربه میتوانم بپذیرم که رئیس دانشگاه چون یک مقام سیاسی و اجتماعی است باید باینترتیب انتخاب بشود اگر ما بخواهیم یک مدیریت صحیح در دانشگاه استقرار پیدا کند باید یک مدیریت صحیح داشته باشیم باید مدیریت انتخابی در دانشگاه ایجاد کنیم حتی در مدارس و دبیرستانها هم اگر مدیر دبیرستان یا مدرسه انتخابی باشد مدیریت طبیعی استقرار پیدای کند با توجه باین سه موضوع بنده احساس می کنم دولت جناب آموزگار در قبال فرمایش شاهنشاه و در مقابل انتظار بسیارهیجان انگیز دانشگاهیان و استادان و جوانان باید باین مسائل اولویت خاصی قائل شوند و من امیدوارم در این مجلس بتوانیم شاهد قراردادهای و لوایح و قوانین باشیم که میتواند باین نارسائیها جواب بدهد.

رئیس - آقای اربابی وقت جنابعالی تمام شده است.

دکتر اربابی - جناب آقای رئیس خیلی معذرت میخواهم یک مطلب دیگر باقی مانده است. خیلی خلاصه عرض میکنم: نکته دیگری که میخواهم عرض کنم و بسیار ضروری است مربوط به روستاها است من بخود اجازه میدهم بدو مناسبت در اینمورد صحبت کنم مناسبت اولش اینستکه من روستازاده هستم زندگی روستائی را بطور کابل لمس می کنم الان که صحبت می کنم خانواده من در روستا نشسته اند حتی برق هم نداریم چراغ نفتی روشن کرده ایم و تمام مشکلات روستائی را لمس می کنیم به لحاظ زندگی که در روستا کرده ام مناسبت دوم اینکه تحصیلات اولیه ام مهندس کشاورزی است از دیدگاه علمی موضوع را بررسی می کنم ما اگر بخواهیم تعارف نکرده باشیم و بگوئیم که میخواهیم سطح زندگی روستا و شهر را بهم نزدیک کنیم باید باین حقیقت بیندیشیم که روستاهای ما قبل از انقلاب، در مرحله انقلاب، وحاتی که باید برسد، در این سه مرحله دگرگونیهای بسیار مهم بوجود آمده آنچه قبل از انقلاب بوده نظام ارباب و رعیتی بوده است نظام ارباب و رعیتی یک برنامه در روستا مستقر کرده بود بنفع خودش بعد از انقلاب شاه و ملت این نظام درهم ریخت و روستائی آزاد شد و خدمات دولتی بروستا رفت

والان در روستای ما وزارت خانه‌های مختلف خدمات متعددی انجام میدهند مثلا وزارت آموزش و پرورش سپاه دانش بعنوان آموزگار میفرستد وزارت بهداشت و بهزیستی مأمورش را بعنوان سپاه بهداشت و دادگستری بصورت خانه انصاف و انجمن ده و امثالهم که در حزب بصورت کانون فعالیت دارند در حقیقت مادر روستا همه چیز داریم روستایی وطن پرست دارای شخصیت وزمین است و آزاد شده است ولی یک چیز نداریم و آن مدیریت صحیح است اگر ما معتقدیم که یک سیستم عدم تمرکز در مملکت پیاده شود روستا مانند یک کارخانه است یک کارخانه طبیعی است زمین، گیاه و انسان برای تولید، این کارخانه مدیریت ندارد و بعلم عدم مدیریت صحیح ما از روستاها خوب استفاده نمی‌کنیم کشاورزان روستاها زاول کرده‌اند و بشهرها آمده‌اند زمین‌ها بیکار مانده‌اند آب‌آواره مانده است و در روستاهای مشکین شهرجناب آقای آموزگار دیدم که روستایی مرغ منجمد از آلمان غربی و مرغ آمریکائی را میخورد و برنج آمریکائی مصرف می‌کند اگر از نظر منطقی می‌پذیریم که موجودیت روستاها بهمین شکلی که هست مورد قبول است نباید بشتاییم که در روستاها یک مدیریت فنی را اعمال کنیم مدیریت فنی در مسائل آموزش، در مسایل تولید و در مسائل اقتصادی، و ما بهیچ وجه نمیتوانیم درصفت هزار روستا، هزارحمام و مدرسه بسازیم ولی اگر روستاها گروه بندی شوند و یک مدیریت محلی در آنجا بوجود آید از این امکانات بخوبی استفاده خواهد شد با این عرایض بنده سخنانم را پایان میدهم و صمیمانه امیدوار هستم که دولت جناب آموزگار با عرضه خدمات وسیع و رفع مشکلات و تنگناها این چرخ شتابان پیشرفت مملکتان را با زهم شتابان به پیش ببرند و در اینجا لازم میدانم که از همکاری سلف ایشان جناب آقای هویدا که در دوران بسیار حساس در این مملکت مصدرخدماتی بودند سپاسگزاری نمایم موفقیت با زهم بزرگتری آرزو کنم از حسن ظنانتان متشکرم (احسنست).

رئیس - آقای قاضی تشریف بیاورید.

قاضی - بنام خدا بنام آریامهر شاهنشاه و بنام گرانمایه میهنان ایران سخن را آغاز می‌کنم از مقام معظم ریاست معذرت می‌خواهم که بنده را به پشت‌تربیون احضار فرمودند اما موجباتی فراهم فرمودند که اجرای امرشان برای بنده میسر باشد و توضیح بفرمایند «سخن را روی با صاحب‌دلان است» سیاستمداران هرجامعه‌ای یا

بمفهوم کلی تر کسانی که نقش بندی سرنوشت هر جامعه‌ای را بعهد دارند چون در سرنوشت مردم مؤثرند مردم حق دارند شیوه‌اندیشه محیط‌تربیت، عوامل پرورنده شخصیت آنها را مورد مطالعه قرار دهند و بعد نسبت به اثری که در نقش بندی سرنوشت آن جامعه داشته‌اند و اثری که بر جای گذاشته‌اند قضاوت کنند از خادم‌ستایش و حق شناسی کنند و از خائن بانفرت و انزجار یاد بیاورند من در روستا بزرگ شده‌ام و باساده دلسی که خصاص روستانشینان است و با ساطت ذهنی که روستانشینان به آن متصفند بی‌آنکه روابط شخصی و خصوصی با او شخصیت عالی‌قدری که الان از آنها نام می‌برم داشته باشم بنام یک ایرانی و در جهت اجرای یک وظیفه ملی و وجدانی ستایش می‌کنم جناب علم را که خدمتگذاری شایسته برای شاهنشاه و ملت و مملکت من بوده‌اند و همواره در جهت گره‌گشائی عقده‌های فرو بسته با مکرمت و بزرگواری عمل می‌کردند و از این رهگذر در استحکام پیوند شاه و ملت می‌کوشیدند من عرض کردم یک روستا زاده‌ام با جناب علم روابط خصوصی ندارم «من آن بی نیستم که هر لحظه به شکلی در آیم» من اگر نغمه سرمی‌کنم از دل و عشق شاه و وطن سرمی‌کنم و اگر به من صفت خوش الحان به جسد من ببلبل خوش الحانم نه طوطی خوش الحان که کسی در باره من بگوید «در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند آنچه استاد ازل گفت بگو، می‌گویم» من آنچه می‌گویم از وجدانم از سلیمت از قومیت و ازدینی که به جامعه دارم و سرسشتی که از روستا گرفته‌ام سخن می‌گویم من اگر امیرعباس هویدا را ستایش می‌کنم و اگر تقوای او را در حد اثری خلل ناپذیر عنوان می‌کنم و اگر می‌گویم که این مرد در طول خدمتش جز خدمت صمیمانه به شاهنشاه و جز خدمت به ملت و جز خدمت به مملکت نقشی را ایفا نکرد برای اینست که ایرانی هستم و قدردانی و حق شناسی از خدمت گذاران خصیصه ملی من و هریرانی است. دولتی به مجلس معرفی شده است با برنامه‌ئی این چنین که دوستان ملاحظه فرموده‌اند هیچ بیاد دارید که از نخستین روزیکه مشروطیت در این مملکت بنیان گرفت و حکومت پارلمانی بر سرنوشت ملت ایران حکومت کرد دولتی آمده باشد و برنامه‌بندی تقدیم کرده باشد؟ کدام دولت برنامه‌ای به مجلس ارائه کرده است که مشحون از عبارت زیبا و عبارات زیبا و مفاهیم دل‌انگیز بوده است؟ اگر نشان دارید سراغ بدهید. دوستان عزیز من، چشم درست نمی‌بیند و برای خواندن یادداشت محتاج به تعویض عینک هستم استدعایم کنم در این لحظه بنده را معذور دارید و برایم یادداشت ارسال

نفرمائید. عرض می‌کردم کدام دولتی بود که برنامه‌اش مشحون از عبارات زیبا و مفاهیم دل‌پسند نبوده است؟ الا اینکه برنامه دولت جناب جمشید آموزگار به صفت رسائی و شیوائی و بلاغت و فصاحت نیز متصف است و با باریک بینی و ریزه‌کاری نگارش یافته است من صادقانه امیدم اینست که دولت جناب آموزگار به اجرای این برنامه توفیق حاصل کند و در جهت اجرای منویات ملوکانه آنچنان توفیقی را بدست بیاورد که در خور شایستگی ذاتی ایشان و تجاربی باشد که در طول سنوات خدمت بدست آورده‌اند من امیدم اینست که کسانی که به سخن چینی و طعنه زنی خو گرفته‌اند و قرآن کلام آسمانی ما از آنها به: «همزه‌لمزه» عنوان می‌کند هرگز فرصت نیابند که این برنامه را تخطئه کنند «اگر سؤالی دارید جناب کسرائی از خودم بفرمائید» من صادقانه آرزو مندم پس از مدتی که از خدمت این دولت می‌گذرد با ستاد این برنامه کسی جرأت نیابد که بگوید: «قالوا ما فعلوا و اینهم من معشر فعلوا و ما قالوا» یعنی: گفتند آنچه را که بکار نیستند و فرق بسیار است بین اینان و آنهایی که کردند آنچه را که نگفتند. دولت جناب آموزگار متصرف شده است به صفت صداقت و صراحت. از این مسئله بسیار مهم به این سادگی نگذریم دولت آموزگار معذرت می‌خواهم اگر القاب و عناوین را نمی‌گویم من کمال ارادت را به همه خدمتگزاران شاهنشاه و مملکت دارم بخصوص شما که «توزیبا و وجنان خوبی که زیورها بیارائی». از صفت صراحت و صداقت که دولت آموزگار یافته است نمیتوان به این سادگی از سر این صفت گذشت این صفت تفسیر گونه‌ای است به مفهوم سیاست در عصر رستاخیز. آموزگار بی‌گویی در فضای رستاخیز ما کبابولیم را راه نیست سیاست در عصر رستاخیز یعنی صداقت و صراحت و این تفسیر تفسیری است ستایش انگیز و سرمشق دهنده و من در گرمای همین تفسیر رئیس دولت است که به خودم اجازه داده‌ام با کمال صراحت و صداقت عرایضم را به محضر محترم مجلس و هیئت محترم دولت عرضه بدارم. به خصلت وجودم و به خصلت روستائی بودنم و به خصلت اینکه از یک منطقه کشاورزی برخاسته‌ام و به این ساحت مقدس راه یافته‌ام اجازه می‌خواهم از کشاورزی شروع کنم. من جناب وزیر کشاورزی را به شما نمی‌شناسم امیدم هست که تشریف داشته باشند. چهره شناسائی زیباشناستر از من اینجا هستند اگر چه چهره نگارانی زیر دست تراز دکتر آموزگار در این جا نیست. به

جناب وزیر کشاورزی نمی‌خواهم در مورد کشاورزی توصیه‌هایی بکنم دوستان اهل فن صحبت کرده‌اند من فقط یادآوری چند نکته را لازم میدانم نظری است و گذری می‌گویم و می‌گذرم و امیدم این است که مورد بررسی و تفحص قرار بگیرد. کشاورزی فلسفه وجودیش در یک کلمه خلاصه میشود: تولید. مفهوم و فلسفه وجودی کشاورزی یعنی تولید بقیه همه سخنی است که در حاشیه و زاویه این مفهوم گفته میشود. جناب وزیر کشاورزی تولید ما، در حال حاضر تألف انگیز است (صحیح است) فکر کنید اگر روزی تولید کنندگان و عرضه کنندگان به بازارهای جهانی بامبارس مهربانشند و با مقاصد شوم سیاسی آنها اجازه ندهد که تولید شان را در اختیار ما بگذارند چه خواهد شد؟ و انشاءالله هرگز چنین چیزی نخواهد شد. جناب وزیر کشاورزی برمی‌گردیم به یک ضرب‌المثل ایرانی که میگوید: «قبل از اینکه چاه را بکنیم مناره را دزدیده‌ایم» و به این سرنوشت گرفتار آمده‌ایم بعد از اصلاحات ارضی که بحثی است وسیع و به آن مبحث نزدیک نمی‌شویم گفتند که خلاءها را شرکت‌های تعاونی کشاورزی پر خواهند کرد و قبل از اینکه شرکت‌های تعاونی کشاورزی به مفهوم واقعی و اقتصادی‌اش داشته باشیم وضع تولید مملکت را گرفتار مخاطره کرده‌ایم بی آنکه توجه کنیم استعداد ملی و استعداد ملت مادر کارهای گروهی و تیمی هنوز محتاج ارشاد و توجیه و تبلیغ است بی آنکه تعاونی‌هایی داشته باشیم به مفهوم واقعی تعاونی و افرادی را تربیت کنیم برای اداره تعاونیها، تولیدمان را دچار مخاطره کردیم و تعاونیهای ما که مفهوم واقعی نداشت آن خلالتی را که بوجود آمده بود بر نکرد و گرفتار این روزگار شدیم و هرچه که جناب آموزگار با صداقت و صراحتی که جنابعالی مبلغش هستید توضیح دادیم با واژه‌سازی مواجه شدیم بی آنکه حقایق مبتلا به ملت را مورد توجه قرار بدهند برای ما واژه ساختند و سخن گفتند اما من به شما عرض می‌کنم جناب وزیر کشاورزی شما نه تنها گرفتار اختلال تولید هستید گرفتار اختلال سازمان هم هستید. من تمام مدارکی را که اینجا به همراه آورده‌ام همه مبین اختلال در سازمان وزارت کشاورزی است اما بخاطر مردی که در چشم من گرمی و محترم است از عرضه و تشریح اینها در می‌گذرم و در یک عبارت خلاصه کنیم این سازمان سازمانی نیست که جنابعالی بتوانید نیات شاهنشاه و ارشادات رئیس دولت را با این سازمان اجرا کنید و این را مطمئن باشید

صادقانه وصمیمانه عرض کنم یک چیزی شما دارید بنام بانک توسعه کشاورزی که اسمش را شنیده‌اید یک غنایتی بفرمائید که این بانک در توسعه کشاورزی چه نقشی داشته است این شهادت را جنابعالی دارید این صداقت و صراحت را که رئیس دولت شما وما مبلغش هستیم دارید که صورت کسانی را که از این بانک وام گرفته‌اند در ساحت مقدس مجلس عرضه کنید و ارائه بدهید و بعد نتیجه بگیرید که چه خدمتی این بانک توسعه کشاورزی درباره توسعه کشاورزی مملکت انجام داده است؟ گفتید که جنگلهای مخروبه را ملی می‌کنیم و این جنگلهای ملی شده را در اختیار توسعه کشاورزی می‌گذاریم جناب آقای وزیر کشاورزی این اراضی جنگلی به چه کسی داده شده؟ به من کشاورز و یا بانها که داده شده چه مقداری داده شده و در چه مترای داده شده چه کمکی در زمینه تولیدی از تقسیم و واگذاری این جنگلهای گرفته‌اند؟ اگر شما یک روزی در مورد بانک توسعه کشاورزی صورتی که مورد درخواست تمام نمایندگان است (صحیح است) و زمینها و اراضی تقسیم شده بعنوان جنگلهای ملی شده که مورد تقاضای همه نمایندگان است (صحیح است) ارائه دهید من پای دکتر آموزگار را می‌بوسم که مبلغ صداقت و صراحت است. و اما آموزش و پرورش جناب آموزگار، سرکار در دامان ادب و فضیلت پرورش پیدا کرده‌اید مدتی با شما هیچ رابطه دوستانه نداشتم و تأسف هم بین من و شما نبوده است اگر توافق فکری و اخلاقی داشتیم باهم دوست میشویم و گر نه چه بهتر که دوست نباشیم زیرا خواه ناخواه اگر نفاقم نداشتم چه بهتر که در قید عاطفه همدیگر نباشیم فرض بفرمائید جنابعالی آمر هستید و بنده مأمور؛ اما اجازه بدهید عرض کنم که آموزش ما پرورش ندارد. و اما پرورش قبول بفرمائید، ما تا دین نداشته باشیم پرورش ما درست نیست زیر بنای جامعه جناب آموزگار دین و معنویات و روحانیت است. کسانی که این جامعه را از دین دور کرده‌اند باین جامعه خیانت کرده‌اند ملت ما بدین ما آمیخته است نه ملت ما از دین ما جدائی پذیر است و نه دین ما از ملت ما، ارشاد بفرمائید، امر بفرمائید به امر آموزش و پرورش ما که بحمدالله خوشبختانه تحرکی در آن پیدا شده کتمان نمی‌کنم این تحول مشهود است، ستایش انگیز است بدین وسایل دینی و پرورش جوانان توجه کنند اگر به دین توجه بشود در آینده بسیاری از مشکلات شما حل خواهد شد، و مشکلات جامعه ما از بین خواهد رفت. مسئله دیگر فرهنگ ملی ماست، ما ایرانی هستیم و ایرانی

زندگی می‌کنیم و شاه ایران را دوست داریم و جانباز شاهنشاه و وطنمان هستیم، ما میخواهیم ایرانی بمریم چرامقامات دولتی اجازه نمیدهند که ایرانی بمریم؟ ما میخواهیم بچه‌های ما ایرانی پرورش پیدا کنند و ایرانی بمرند ما چیز دیگر نمی‌خواهیم چرا آموزش و پرورش ما از وطن پرستی دور است؟ اینها از وطن پرستی چه دیده‌اند این ایران زمین چی بانها نداده؟ جز اینکه امنیت و ثروت و مقام به آنها داده است؟ آخر این ایران چه عیبی دارد کجای دنیا میشود اینطور باسایش و امنیت زندگی کرد چرا از وطن باید روگردان باشیم من سی سال نویسنده‌ام کردم من واقعیت را میگویم من دستم از نویسنده‌گی پینه بسته است:

«بس خامه‌پرازی‌ای عجب گشته است

انگشتان چون سبزه سوهانم»
بهمن جهت من جز بفضیلت و فضل و دانش و جز بشاهم و جز به خدمتگذاران مملکت تعظیم نمیکنم من به جمشید آموزگار تعظیم می‌کنم چون پرورده ادب و فضل و دین است باین جهت جناب آموزگار را آن موقع هم که نخست وزیر نبودید بشما احترام می‌گذاشتم از شما تمنا دارم و صادقانه استدعا دارم این آموزش و پرورش نیست آموزش و پرورش که غلمدار در خارج از وطن درست کند آموزش و پرورش نیست و آموزش و پرورش درست نخواهد شد تا وقتی وضع معلم درست نشود معلم وقتی معلم است که پدر روحانی باشد. پول میدهد خانه میدهد بدهید خوب است هرگونه وسائل رفاهی بدهید خوب است اما اینها شرط لازم است نه کافی، وقتی معلم معلم خواهد بود که پدر روحانی باشد و مقام معنوی اش را بدست آورد بکوشید در باز دادن این مقام معنوی به معلم شما را بجان پدرتان وقتی در مدرسه بودید آیا از معلمتان بعنوان پدر روحانی اسم نمی‌بردید؟ چرا این مقام پدر روحانی را به معلم باز نمیدهید؟ تا معلم پدر روحانی نباشد و بمقام معنوی اش نرسد آن جوان که سینه‌اش را در مقابل گلوله دشمن سپرد کند بدین جامعه عرضه نخواهد کرد. تا معلم حیثیت نداشته باشد شاگرد حیثیت ندارد و تا شاگرد حیثیت نداشته باشد جامعه ما حیثیت ندارد حیثیت ما در گروه آموزش و پرورش ماست (صحیح است) مسئله خیلی حساسی است مطلب دیگر که میخواهیم عرض کنم درباره وزارت نیرو است بنده وضع برق را تأسف‌انگیز نمیدانم بهیچ وجه. در هر جامعه‌ای در هر سیستمی در هر فعالیتی مشکلاتی

بوجود می‌آید اما تأسف‌انگیز این است که از این واقعه عبرت نگیریم آنوقت این مسئله تأسف‌انگیز است برای جامعه و ملت ما که نتوانیم این واقعه را آنچنان مهار کنیم که نظایرتواند پیدا کند. آنوقت تأسف‌انگیز است مشکلات در همه جوامع هست چند وقت پیش برق نیویورک هم قطع شد. من نمیگویم مقصر مجازات نشود اما مهمتر از این واقعه و مهمتر از مجازات رساندن سبب این واقعه عبرت اندوزی از این واقعه است این برای ما هشدار بزرگی بود من یک سؤال دارم از جناب وزیر نیرو و آن سؤال این است آقای وزیر نیرو آن که اعصاب مردم از بابت برق ناراحت است این منطقی است که باز اعصابشان را ناراحت ترک کنیم در این موقع حساس و خاص، گران کردن بهای آب بابل و گرگان یعنی چه؟ من خوشحالم که مردم کشورم ثروتمند هستند و آنقدر شاه دوست و وطن پرست هستند که برای هرگونه ایثاری در مقابل دولت شما صادق و صمیمی هستند و همیشه آماده‌اند اما واقعا شما خودتان را خیلی موقع شناس می‌دانید که آب بهای بابل و گرگان را زیاد میکنید؟ من عین شکایت را که محترمین گرگان برای من فرستاده‌اند به حضورتان تقدیم میکنم خودتان ملاحظه بفرمائید عرض دیگرم درباره وزارت کشور است جناب آقای نصرت‌اصفهانی بنده به جنابعالی ارادت دارم نه از جهت اینکه وزیر کشور هستید از جهت اینکه دانش‌مرد هستید و وارد و درد ما را میدانید زیرا شما هم مانند بنده چهارتا کتاب خوانده‌اید و در دافراد دود چراغ خورده را درک میکنید. بنده یک معانی دارم این معنا را برای من حل کنید چهارسال یک شخصیتی در گرگان فرماندار بود وزارت کشورخواست ایشان را عوض کند. او را گذاشت معاون استانداری ساری. البته استاندار ساری یکی از شریف‌ترین و نجیب‌ترین مردم ایران است و واقعا مورد ستایش ماست (یک نفر از نمایندگان - استاندار مازندران) آخر مازندران در ساری خلاصه میشود این فرماندار گرگان را برده‌اند گذاشته‌اند معاون استانداری یازده ماه است که گرگان فرماندار ندارد، یعنی این‌آقا هم معاون استاندار ساری است و هم فرماندار گرگان. در اعیاد می‌رود گرگان فرماندار میشود و ایام غیر اعیاد می‌رود ساری معاون استانداری میشود از دوستانم پرسیدم کی این وضع درست میشود گفتند می‌خواهند ماده واحده بیاورند بمجلس و مشکل فرماندار گرگان را حل کنند.

واقعا برای عوض کردن یک فرماندار باید ماده واحده آورد؟ نه بواقع من از شما گله ندارم یادآوری میکنم چون قبلا که شما وزیر کشور نبودید ولی استدعا میکنم این آوردن ماده واحده و شأن نزولش را و این بی‌نصیبی گرگان را از وجود فرماندار بمطالعه بفرمائید آخر برادر یازده ماه است که گرگان بدست یک بخشدار اداره میشود گرگان جانی است که سردار فخرها و حاج عزالممالک اردلان‌ها حاکمش بوده‌اند. گرگان شهری است تولیدی و پیشرفته ترین فرهنگ‌ها را دارد شهریست که کیلومترها مرز مشترک با همسایگان ما دارد اما یک بدبختی هم دارد شما چون فاضل هستید و در تاریخ و جامعه شناسی مطالعه دارید بدون تردید قبول میکنید شما در تاریخ و جامعه شناسی ما درسالاری و پدرسالاری و دیوان سالاری را خوانده‌اید اما شما را بخدا ساری سالاری شنیده‌اید؟ مردم گرگان گرفتار ساری سالاری شده‌اند این ترجیح بلا مرجع یعنی چه؟ ایلام را استانداری کردید خوب کردید، چهار مجال بختیاری را استانداری کردید شهر کرد و یزد را استانداری کردید، بسیار خوب اینها را مقایسه کنید با گرگان به بینید که من حیث المجموع استعداد استانداری شدن را گرگان دارد یا خیر؟ بخصوص از جهت تولید حالا که ما گرفتار نقصان تولیدیم باید مراکز تولیدی کشاورزی مملکت را تقویت کنیم یک کشاورز گرگانی برای آیش باید به رشت برود برای برقش باید به ساری برود برای مدرسه بچه‌اش باید ۹۰ کیلومتر راه طی کند و برای کارهای دادگستری خود هم باید برود به ساری، گرگان شهری که در درجه اول تولید است آیا این منطقی دارد که باین وضع گرفتار باشد؟ اگر شما منطقی دارید که سرا قانع میکند بگوئید. اما درباره سازمان برنامه: شاهنشاه ما رهبر ما فرموده‌اند من شخصا بعنوان یک روستائی شاهنشاه را پیشوا میدانم آنچنان بیوند روحی و قلبی و خونی بین شاهنشاه و ملت هست که اگر بمعنی واقعی و مفهوم اصلی پیشوا توجه کنید رابطه‌ای که بین شاه و مردم است رابطه پیشوائی است. اینها تعلق نیست ما نزدیک تر و فریاد رس تر از شاهنشاه نداریم ما یک پناهگاه داریم یک مرجع داریم یک دوست و سرور و آقا داریم که اسمش شاهنشاه است. (صحیح است) فرمودند سازمان برنامه ترمز کننده است این بیان شاهنشاه است، خوب جناب نخست وزیر این دستگاه ترمز کننده که برای دولت وزیران است، دست پروردگان این سازمان ترمز کننده هم اکنون در دستگاههای اجرائی

هستند اینها میخواهند چه بکنند؟ اینها برای این به سازمانهای اجرائی میروند که برمزکننده باشند؟ در سال ۱۳۰۱ در یکی از جلسات شورای عالی اقتصاد شاهنشاه امر فرمودند که از اراک، بندرعباس و قزوین و گرگان ۵۰ درصد عوارض گرفته شود تا مردم این شهرها به خانه سازی اقبال کنند و آبادانی زیاد شود. شاید جناب آقای انصاری که بنده بایشان ارادت میورزم بخاطرشان باشد و پنجاه درصد بقیه را سازمان برنامه کمک کند به شهرداری این چهار شهر که از این جهت گرفتار نقصان درآمد نشوند. باین حساب شهرداری گرگان سه میلیون و چند صد هزار تومان از سازمان برنامه طلب دارد. چندین بار مراجعه کرده ایم گفتند اصلاً چنین سابقه ای در سازمان برنامه موجود ندارد. خدا عمر دهد جناب وزیر کشور سبب را و وزیر کار فعلی را که دستور فرمودند تمام سوابق و پرونده را فتوکپی کردند و بردیم به سازمان برنامه بعد گفتند این را باید مجدداً بریم بشورای اقتصاد بهرحال حالا رفته بشورای اقتصاد من از بزرگواری شما جناب دکتر آموزگار تمنی میکنم که یادداشت فرمائید و در شورای اقتصاد این موضوع را مطرح فرمائید این حق است که شاهنشاه بما اعطا فرموده اند اگر این تقاضای بنده غیرقانونی است یادداشت فرمائید اگر منطقی است یادداشت فرمائید. اما جناب آقای نخست وزیر در این برنامه شماجیزی که بچشم بنده نخورد مسئله روحانیت است همانطور که عرض کردم دین زیربنای جامعه ماست و روحانیت مایکی از فعالترین خدمتگزاران انقلاب شاه و مردم است و در جهت اجرای منویات ملوکانه همیشه در صف اول قرار داشته اند شاهنشاه ما سلطان جهان تشیع عنوان دارند این عنوان خیلی مهم است خیلی پر مفهوم است جناب نخست وزیر این تأسف انگیز نیست که کسانی بنام اسلام استفاده اغواکننده بکنند و گروههایی در جهت تخریب بنیان جامعه، بنیان اسلام بوجود بیاورند ولی ما خودمان از این نیرو استفاده نکنیم؟ من یا تذکاری از این مطلب میگذرم. ولی تاکید میکنم باین مسئله که بسیار مهم است و آن این است که دولت شما باید یک سیاست دینی محکمی داشته باشد و دولت شما اجازه نباید بدهد که فلان ایسم اسلامی درست بشود اسلام و ایران پیوندشان ناگسستی است و باید تا زمان باقی است تا اسلام و ایران باقی است این پیوند را ایران و اسلام با هم داشته باشند و حفظ کنند «تلقین درس اهل نظر یک اشارت است - کردم اشارتی و مکرر نمیکنم»

مسئله دیگر بیانی است که یکی از دوستانم فرمودند در باره خادمین و خائنین آنچه باید گفته شود گفته شد و من تکرار نمیکنم اما یک نکته ای عرض میکنم و میگذرم آیا واقعاً این درست است که کسانی که سابقه خیانت باین مملکت و باین ملت را دارند در مناصب و مشاغل ارشادی بگذاریم آیا واقعاً این درست است؟ کسی که ملیتش برای ما مشکوک است در سراسر مملکت راه بیفتد و دم از ارشاد مردم بزند کسی که به این مملکت و بمقدسات این مملکت وفادار نبوده آیا درست است که معلم جامعه ما باشد اگر درست است و اینطور تشخیص میفرمائید بنده عرضی ندارم فرمودید استخدام نمیکنید خوب این سیاست دولت است ولی آیا برای این جوانان که لیسانسیه هستند و فوق لیسانس و دیپلم دارند فکری کرده اید؟ لااقل تدبیری بیندیشید که دلسرد نشوند. مسئله دیگر این است که امر فرمائید بررسی کنند که حقوق بازنشستگان کشوری در تمام رده ها متناسب با آن گروه ها و رده ها یکسان باشد و تبعیض را از بین ببرد بنده خواستم درباره تبعیض و تضاد صحبت کنم ولی چون بحث آن طولانی بود صرف نظر کردم و آخرین بحث این است: جنابعالی که مقید به تشبیه خائن و تشویق خادم هستید دو عامل اجرائی کارساز در اختیار دارید باین دو عامل نیرو به مقید یعنی دیوان محاسبات و دیوان کیفر. فراموش فرمائید که در زمینه تشویق و تشبیه بزرگان از این پیش گفته اند: دشتی قوم خویش را جمشید - دائم اندر میان بیم و امید. بیم از کیفر و امید از پاداش.

(احسنت - احسنت)

رئیس - آقای معینی جاغروند فرمائید.

معینی جاغروند - بدون شک اجرای انقلاب مقدس شاه و ملت که تحت رهبریهای دایمانه شاهنشاه آریامهر در مدت زمانی کوتاه راه گشای طریق سعادت و رفاه روزافزون برای ملت ایران بوده است آنچنان باصالت و ژرفا و عظمت مخصوص خود مشحون از واقعیتهای درخشان و افتخار آفرین است که کامیابی های این دوره ی فرخنده و شکوهمند در دل تاریخ کهنسال ایران برای همیشه جاودانه خواهد درخشید ولی چون به رهنمودهای پیشوای دانا و توانای ایران هدف غائی و نهائی ملت ما رسیدن به جایگاه رفیعی است که رهبر عالیقدر مملکت آنرا در صف اول ملل مترقی جهان ترسیم فرموده اند برای رسیدن باین هدف عالی و وظیفه فردی و اجتماعی حکم میکند مسائل قابل تأمل و بحثی که بعنوان ناهم آهنگی های

گونگون بایده های انقلابی و رستاخیزی در سطوح مختلف بچشم میخورد باصراحت مورد تجزیه و تحلیل و اسماعان نظر واقع گردد تا برای از میان بردن آن موانع تلاش و کوشش لازم بعمل آید.

زیرا گواينکه اگر همه موارد قابل انتقال را باصطلاح معروف زائیده دوران پیشرفت سریع و تحول برق آسای مملکت و لامحاله از شمول تنگناهای غیرقابل اجتناب بدانیم معدلک چون اثرات منفی این تنگناها بخصوص اگر باناهم آهنگی برنامه ها و بی توجهی مسئولان همراه باشد مسائلی است که بهر تقدیر بموقعیت و ثمرات درخشان انقلاب ایران که دشمنان و حاسدان همیشه بانتظار نکته گیری و تبلیغات سوء ناجوانمردانه علیه کشور ما هستند لطمه هایی وارد مینماید قطعاً بازگو کردن حقایق بحل مشکلات و یافتن راه حلهای عملی منتهی خواهد گردید و این همان رویه مطلوب و پسندیده ایست که دولت و ملت ایران در زیر چتر نظام گرانقدر شاهنشاهی و دوران رستاخیزی دست در دست یکدیگر فرمان فرماندهی هوشیار و عالیقدر خود بسوی موقعیتهای درخشان تر با سرعت گام بر میدارد (صحیح است)

و بهمین مناسبت است که اجازه میخوامم دربارۀ چند مورد از مسائل مورد بحث که قسمتی از آن به یکی از ارگانهای مهم پیشرفت و توسعه یعنی اقتصاد کشاورزی و موقعیت روستاها و نقشی که میتواند مؤثر در تأمین رفاه و بهبود زندگی قاطبه مردم مینهن باشد مطالبی باستحضار محترم برسانم.

از نکات بسیار قابل بررسی و دقتیکه در بیانات جناب آقای دکتر آموزگار نخست وزیر کاملاً مورد توجه قرار گرفته و همکاران محترم نیز نتوانستند از اشاره باین مهم صرف نظر نمایند ذکر ارقام ۱۶ میلیارد دلاری واردات سالیانه در قبال رقم نیم میلیارد دلار صادرات غیر نفتی از اهمیت مخصوصی برخوردار است باین کیفیت که اگر بمنظور گسترش صنایع داخلی و بنیادی در راه صنعتی شدن مملکت قسمت اعظم واردات را اجتناب نپذیرد و بمنزله سرمایه گزاریهای آینده تلقی کنیم توجه به ارقام قابل ملاحظه ای که واردات محصولات کشاورزی و فرآورده های دامی بخود اختصاص داده دارای اهمیت و مفاهیم گسترده و نمودار آنست که میانست به کشاورزی مملکت و به زندگی نیمی از جمعیت ایران که در کسوت کشاورزان و در دل روستاهای کشور در عذاب تولید کنندگان بوده اند و اکنون بر مور و با مهاجرت به شهرها جنبه مصرف کننده پیدا کرده توجه عاجل و مؤثری بمذول

گردد زیرا از نکات مهم و اساسی اصل اول انقلاب یعنی اجرای قانون اصلاحات ارضی که دهقانان آزاده و زحمتکش را از یک زندگی نکبت بار و طاقت فرسایه گسستن قید و بند زنجیرهای گران استعمار نائل نمود گذشته از حصول هدف مقدس آزادی و بهره مند شدن کشاورزان از ثمره دسترنج خود از یکطرف ایجاد تعلق و همبستگی هر چه بیشتر و بهترین طبقه عظیم و مولد به آب و خاک بود که بعلت ضوابط نامعقول قرون وسطائی و تحمل دوران نفوذالیزم ارضی رفته رفته رشته های علاقه و عاطفی آنان به سرنوشت ملک و ملت از سوی سیاستهای مخرب بیگانه و بیگانه پرستان مورد تهدید قرار گرفته بود و از طرفی مبیایست بمنظور بهره وری کامل از نیروی فعاله مملکت و امکان بالابردن درآمد کشاورزان ۷۰٪ جمعیت مقیم روستای سالهای قبل از انقلاب طوری تعدیل شود که پس از جذب عمده ای از افراد مقیم ده در رده های کارگری هم نیروی کار جوامع شهری و کارگاههای تولیدی تأمین شده باشد و هم با پیاده نمودن اصول کشاورزی مکانیزه خلاء حاصله از کمبود نیروی فعال کشاورزی که منتقل به شهرها میشوند جبران گردد و در نتیجه باتوازی لازم برنامه توسعه صنعتی و کشاورزی مملکت همگام با یکدیگر اساس اقتصاد سالم کشور را تأمین نماید - زیرا اگر در پیشرفت این دو رکن اساسی اقتصادی هم آهنگی و تعادلی وجود نداشته باشد نه تنها گسترش تولیدات صنعتی رافع همه نیازمندیهای گوناگون و کافی بمقصود نمیشد بلکه در عین حال که مملکت از ورود اقلامی از کالاهای مورد احتیاج بی نیاز میگردد ناچار است درآمد حاصله از طریق فعالیتهای صنعتی را بمصرف خرید و تأمین مواد غذایی برساند با این اشکال که رشد جمعیت و کمبود مواد غذایی در سطح جهانی سیاستهای جدید و نوظهوری راجایگزین سیاستهای شناخته شده ی گذشته نموده به نحویکه خود کفا نبودن نسبی نیازمندیهای غذایی هر کشور از اهم معضلات و مشکلات در جوامع امروز خود نمائی میکند که لامحاله بی آمدهای مضرو خطرناک دیگری را بدنبال خواهد داشت. و در چنین شرایط حساسی است که بعلت آهنگ سریع فعالیتهای صنعتی از یک طرف و هجوم بی سابقه سرمایه - گزاری در بخش ساختمان و پرداخت دستمزدهای بی سابقه از طرف دیگر سیل کارگران کشاورز مقیم روستاها را بطرف

فعلی اضافه میشود چه برنامه‌ی مؤثری را مد نظر قرار داده است.

آیا تنها به اعتبار پرداخت مبالغی جزئی بعنوان وام که آنهم رقم درست آن بیجیب افراد مشخص سرازیر و رقم‌های ناچیز آن با اتلاف وقت زیاد و تشریفات خسته کننده همراه است برنامه کمک دولت به کشاورزان خاتمه می‌پذیرد و این مهم که درد اساسی مملکتی است با پشت‌میز نشینی‌های مسئولان و دست‌اندرکاران به‌هدف مطلوب میرسد.

آیا مسئولان محترم توجه دارند موقعیت طبیعی مملکت ما با اقلیم‌های متفاوت و مناطق کویری وسیع و خشکی و کم‌آبی و کوهستانی بودن قسمتهای دیگر آنچنان منابع گسترده و عظیم کشاورزی در اختیار ندارد که مانند ممالکی که از موقعیتهای طبیعی و خدادادی بسیار برای کشاورزی بهره‌مند هستند بتواند در سطحی وسیع همه کمبودهای نیروی کار را با ماشین‌آلات متنوع کشاورزی جبران نماید و درحالی‌که امکان کاربرد آن ماشین‌آلات در اکثر نقاط کشور ما فراهم نیست و روستائیان ما نیز هنوز بکارهای گروهی عادت نکرده‌اند تا زمینهای کوچک تحت سرپرستی و مدیریت واحدهای با مکانیزم صحیح مورد بهره‌برداری قرارگیرد و بازده زحمات کشاورزان ما قابل ارزیابی و با مقدار زمین زیر کشت هم‌آهنگی معقول و متناسب داشته باشد چه خط مشی و برنامه‌ای برای جبران کمبودهای کشاورزی دارد و آیا بهتر نیست بعضی پرداخت صدها میلیون دلار خسارت سوزناز به کشتیهای حامل گندم و دیگر کمبودهای محصولات کشاورزی این قبیل بولها به نفع تولیدات بیشتر و تأمین رفاه کشاورزان بمصرف مسئله مهم دیگر که در مهاجرت روستائیان نقش مؤثری داشته است سقوط غیر منتظره‌ای پرورش دام و نقصان بدون جبران فرآورده‌های دامی در سطح روستاها است که درحقیقت لطف و صفای خاص زندگی در روستا و بهره‌وری از منابع مفید و سالم پروتئینی را بعقل و جهالتیکه اهم آن محدودیتهای چرا و نگاهداری دام است برای همیشه به خواب و خیال مبدل نموده و واقعیت اینست که با مهاجرت روستائیان و اقامت در شهرها و رسیدن دستمزد جوان به ماهیانه ده الی دوازده هزار ریال امکان نگاهداری دام بصورت‌های گذشته که هر خانواده روستائی با استفاده از جای یجانی پرورش تعدادی گوسفندگاو را رکنی از ارکان تأمین معاش خود قرار داده بود بکلی از بین رفته

براکر کار سرازیر و مشغول نموده و به ترتیبی که در اغلب موارد حتی برای جمع‌آوری محصولات بدست آمده کشاورزی کارگر کثانی وجود ندارد و این عدم تعادل درآمدی کارگری و کشاورزی سرعت تخلیه روستاها را بسزای نگران کننده‌ای بالا برده است و از همه مهمتر اینکه هدف اصلی و اساسی اجرای قانون اصلاحات ارضی را که تعلق خاطر و پیوستگی کشاورزان به آب‌وخانه و دانسانه خود با اقامت در روستا و بمنظور کوشش و بهره‌وری در ازدیاد تولید محصولات کشاورزی تضمین مینمود با اسکالانی مواجه نموده و مینماید که مخصوصاً نظر جناب آقای دکتر آموزگار نخست‌وزیر را باین مسئله مهم و حیاتی که می‌رود همه به اقتصاد کشاورزی و همه به اقتصاد صنعتی ما لطماتی وارد نماید جلب مینمایم.

موضوع اساسی دیگری که طرح آن لازم و توجه عمیق به نتایج آینده‌اش از همین امروز آشکار گردیده و شاید نقش شایانی در گرایش روستائیان به شهرها داشته باشد موضوع برنامه‌های آموزشی مملکتی است که صرف نظر از جنبه سوادآموزی که هدف بسیار مقدس و پرارج و منزلتی است جوانان و نوجوانان روستائی را برای پشت‌میز نشینی و زندگی شهری تربیت میکند در حالی‌که ضرورت امروز آینده‌نگری ایجاب میکند با تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی راه‌روشی انتخاب گردد که نسل جوان بخصوص جوانان روستائی فقط استخدام در ادارات و مؤسسات راه‌دو و اساس آرزوهای خود قرار ندهند بلکه احراز شخصیت و رسیدن به طریق سعادت و خوشبختی و در فعالیت‌های تولیدی کشاورزی یا صنعتی جستجو نمایند برای رسیدن باین منظور اقتصاددارد مسئولان امر با فراهم نمودن امکانات علمی و عملی به تربیت نیروی مفلح و آشنا به اصول صحیح کشاورزی همت بکارند تا به جبران تغییریری که در جهت مهاجرت جمعیت مقیم روستا حاصل گردیده کشاورزان بصیر و کارداران مجهز با امکانات کشاورزی مکانیزه کمبود نیروی انسانی فعال مقیم روستاها را جبران کند و جاذبه‌ی زندگی شهری و عشق دریافت دستمزدهای گزاف روستاهای ما را به گورستان پیرزنان و پیرمردان از کار افتاده تبدیل نکند و کسار روستا هسای مسا

بمرحله‌ای منتهی شود که در آن شرایط به استخدام کارگر خارجی برای امور کشاورزی نیز نیاز پیدا نمائیم اکنون این سؤال مطرح است که گفته شود دولت چه هدفی را برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشاورزی تعین مینماید و برای خود کفا نمودن محصولات کشاورزی با توجه به رشد جمعیتی که در سالهای آینده به جمعیت

و گذشته از اینکه این عامل بازدارنده از مهاجرت وجود خارجی ندارد اصولاً دستیابی به فرآورده‌های دامی در روستاها نیز حکم کمیاب پیدا کرده و سکنه باقیمانده به‌صفت طویل مصرف‌کنندگان روغن نباتی پیوسته‌اند درحالی‌که تجربه قرون متمادی زندگی دامداری روستائیان کشور ما ثابت نموده است که موقعیت و شرایط اقلیمی پرورش و نگاهداری احشام در دشت و کوهستان به مراتب طبیعی نیاز قطعی و حتی دارد زیرا نوع احشام ایرانی نمیتواند برای مدت زیادی استمراراً در زیرسنگ نگاهداری شوند که بهترین نمونه‌ی بارز و مؤید توضیحاتم دامداریهای مخصوص ارتش شاهنشاهی است که با استفاده از تجربیات دامداران و پرورش‌داری از شرایط علمی روز به بهترین وجهی اداره میشود و به نتایج بسیار مطلوبی نیز نائل آمده است (صحیح است).

جناب آقای نخست‌وزیر در اینجا ناچارم با کمال تأسف حقایق تلخ دیگری را باستحضار جنابعالی و همکاران محترممان برسانم و آن موضوع مصرف اعتبارات خاص ناحیدای استانها است که بعلت ضوابطی که در نحوه خرج آن وجود داشته و دارد گذشته از اینکه عوامل غیر وارد و غیرصالحی با زدو بندهای ظاهری خود را در ردیف پیمانکاران جازده و با استحضار از چنین زمینه‌های نامساعد انجام پروژه‌های عمرانی بدست افراد و شرکت‌های غیر معتبر و سودجو و بعد قراردادهایی منجر گردیده و در پایان کار نیز ناظر دلسوز و بیطرفی مانند انجمنهای روستا و شهرستان دخالت مستقیم در مسئله تحویل و تحول پروژه‌ها نداشته و به تذکرات آنان نیز ترتیب اثری داده نشده نه تنها کارهای انجام‌نشده با قیمت‌های گزاف عاملی در جهت بالا رفتن هزینه‌ها و مؤثر در تورم بوده‌اند بلکه بازده کار و واقعا باعث نهایت تأسف و تأثر است زیرا در قبال صرف پولیکه از خزانه مملکت پرداخت گردیده اغلب این پروژه‌ها در همان اوان با چنان نقائصی تحویل گرفته شده که بهیچوجه قابل استفاده و بهره‌گیری نبوده است و کوتاه سخن آنکه اگر بحساب‌وجوه مصرف‌شده رسیدگی شود معلوم خواهد شد چرا روستائیان مهاجرت به شهرها را برزندگی در روستا ترجیح میدهند زیرا اکثر روستاها هنوز بحل مشکلات اولیه که تأمین آب آشامیدنی - دبستان - بهداشت و درمان و برق کشاورزی نائل نگردیده‌اند مضافاً اینکه مشکل و مانع بزرگ یعنی عدم وجود راه‌های روستائی نیز کم‌کم آن بقوت خود باقی و این انتظار به حقیقت نبوده است در این باره نظر نمایندگان محترم را به‌مناسبتی که در جلسه

مشترك نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی در حضور جناب آقای هويدامطرح و تقاضا گردیده با استفاده از محل اعتبارات خاصی ناحیه‌ای و به تعداد انجمنهای شهرستان سطح کشور موجبات خریداری و تشکیل یک واحد راهسازی روستائی فراهم گردد که هر شهرستان بتواند با دراختیار داشتن ماشین‌آلات راهسازی و پرورش‌داری از کمک و خود یاری مردم که ضابطه‌ی آن وسیله انجمنهای ملی تعیین میگرددید با توجه به اولویتهای محلی بساختن راههای روستائی حوزه مربوطه خود اقدام نماید ضمن تشکر از اقدامیکه در جهت موافقت کلی بعمل آمده (ملک منصور اسفندیاری - اینکارها انجام نشده، روی کاغذ آمده) و ماشین‌آلات مورد نظر تحت سرپرستی سازمان گسترش صنایع ایران و به‌عالمیت شرکت ره‌گستر که در شهرهای مختلف میبایست مقدمات ثبت شرکت خود را فراهم نماید موجودیت خود را اعلام نموده است توجه جناب آقای دکتر آموزگار نخست‌وزیر را باین مسئله مهم جلب مینماید که اگر شرکت ره‌گستر بخواهد همان رویه پیمانکاران راهسازی را سرلوحه برنامه کار خود قرار دهد یعنی با عقد قرارداد با ادارات تعاون و روستای محل و دریافت کیلومتری پانصد هزار ریال عهده دار انجام راههای روستائی بشود غیر از اینکه بگوئیم فقط طرف قرارداد ادارات تعاون از شرکتهای خصوصی تغییر پیدا کرده و پیمانکار جدید شرکت وابسته به دولت است هیچگونه پیشرفت و امتیازی برای حل مشکل حداقل چهار صد هزار کیلومتر راه روستائی مورد احتیاج کشور بدست نیامده زیرا با این ترتیب اولاً تأمین چنین هزینه‌ی سنگین باز هم متوجه خزانه دولت و پرداخت آن احتیاج بگذشت دهها سال خواهد داشت ثانیاً با تشکیلات و سازمانیکه بوسیله این شرکت بوجود آمده و می‌آید قطعاً برای تأمین حقوق و مزایای پرسنل فنی و هیئت مدیره و مدیر عامل به‌درآمدهائی احتیاج خواهد داشت که همان دریافتی بهاء ساختن راه خواهد بود تا خواه بمصرف هزینه‌های جاری و پرسنلی شرکت خواهد رسید و ماشین‌آلات دولتی با بازدهی در حدود یکصد کیلومتر راه در سال خود عاملی برای تأمین و پرداخت حقوق بکار گرفته شده و در حقیقت همان طول زمان صد ساله که باجهش انقلابی مملکت ما کاملاً مغایر است کماکان برای احداث راههای روستائی وجود دارد مگر اینکه دولت در این راه فقط بعنوان هدایت کننده کار مردم را بسنجد خود مردم بی‌بازار و این مسئولیت را بعهده انجمنهای ملی واگذار نماید.

در خاتمه عرایض ضمن آرزوی موفقیت‌های هرچه بیشتر جناب آقای دکتر آموزگار نخست وزیر و هیئت محترم دولت و همه خدمتگزارانیکه با عشق شدید میهن پرستی در راه اجرای منویات مقدس رهبر عالیقدر ایران شاهنشاه آریامهر تلاش میکنند امیدوارم توضیحاتیکه در مورد علل مهاجرت روستائینان به شهرها بعرض حضار محترم رسانیدم کافی بمقصود و حساسیت موضوع را روشن کرده باشد فقط مسئله مهم و قابل تأمل اینست که قبول کنیم در فلات گسترده ایران زمین وطنی گذشت قرون و اعصار همین روستائینان ایران بوده‌اند که همواره پایگاه حفظ و حراست مملکت و نمونه جانپازی و فداکاری در راه حفظ استقلال و جب بوجب خاک این سرزمین و فداکارترین نگهبانان شاهنشاهی دو هزار و پانصد ساله ایران بوده‌اند و اصولاً با چنین اقلیم متفاوت در مساحت یکمیلیون و ششصد و چهل هزار کیلومترمربع نقش روستاهای ایران که پایه‌های متین و قدیم حاکمیت و ملیت قوم ایرانی را هزاران سال استوار نگاهداشته‌است نقشی جاودانه است که میبایست با عنایت پروردگار جهان قوتها و قوتها و همگام با ابدیت مستقر و با برجا و آباد و سرفرازی باقی بماند. (احسنت)

در خاتمه عرایض مطلبی بنظم رسید که با اجازه همکاران محترم توضیحی درباره آن عرض میکنم همکار ارجمند و گرانمایه بنده که به شور و عشق و وطن پرستی و شاه دولتی ایشان اعتقاد راسخی دارم بیانی فرمودند که محققاً آن بیان بلحاظ طینت پاک و علاقه مفرط ایشان بخدمتگزاری صادقانه مورد توجه شان قرار گرفته است. مطلب این بود که فرمودند هیچ خانی خادم نمیشود ولی ممکن است نادم بشود بنده میخواستم ضمن عرض معذرت از این همکار بسیار ارجمند توضیحی اضافه کنم که بعقیده مخلص جنبه عام دادن بموضوع شاید در همه موارد صد درصد درست نباشد زیرا ممکن است فرد یا افرادی بعقل اقتضای سنین جوانی و یا تحت تأثیر القائنات فریبنده راه خطائی را به پیمایند و بعد هم متوجه گردند که راه صحیح را انتخاب ننموده از صمیم قلب نادم و پشیمان شوندم و براه خدمتگزاری صادقانه بازگشت نمایم (مظهری).

ولی مرشد نمیتواند باشد (موقعیت والای اجتماعی و اخلاق و معنویت و خصلت ایرانی بخصوص در فضای رمناخیز حکم میکند که هر کس بتواند با اعتقاد به سه اصل مقدس نظام شاهنشاهی - قانون اساسی - انقلاب شاه و ملت در مسابقه خدمتگزاری صداقت و جوهر ذاتی

خود را نشان بدهد وای بسا افرادی که قبلاً انحرافات داشته و متنبه و متوجه خط و اشتباه خود شده و آماده باشند بجزیران مافات منشاء خدمات مؤثری در راه میهن خود باشد کما اینکه دین مبین اسلام چنین امکانی را بنام توبه در دسترس گناهکاران قرار داده است امیدوارم همکار گرامی بنده این اظهار نظر صادقانه مخلص را حمل بر بی ارادتی نفرمایند چون باتمام وجود باین همکار عزیز احترام میگذارم (مظهری) - اینها دین ندارند این حرفها چیه ؟

رئیس - آقای رضوی نژاد بفرمائید.

رضوی نژاد - با اجازه جناب رئیس، جناب آقای نخست وزیر محبوب ایران و همکاران گرامی، بنده با اعتقاد با اینکه وقت مناسب نیست و دوستان زیادی هم باید در برنامه دولت صحبت بکنند خیلی مختصر در یک موضوع از برنامه دولت که دادگستری و مبارزه با فساد باشد شمه‌ای باستحضار حضار محترم خواهم رساند اساساً برای این مملکت پیشرفته وجود دادگستری مستقل و سالم لازم است اگر دادگستری قوی نباشد و قضات خوب نداشته باشد مبارزه با فساد نتیجه‌ای نخواهد داشت. خوشبختانه جناب نخست وزیر محبوب ما از خانواده قضایی هستند و پدرشان سالها در دیوان کشور بامر قضا اشتغال داشته‌اند، دستگاه قضایی ما باید هرچه بیشتراز نظر معنوی تقویت شود، دستگاه قضایی مانند ساختمان و ابزار دیگر نیست مبتنی بر عامل انسانی است با اجتهاد در اینجا مفتوح است اگر خدای ناکرده دستگاه قضایی افراد مؤمن و معتقد و مسلمان کم داشته باشد وظیفه‌اش را نمیتواند انجام دهد قاضی بدین و دانش پاسدار داد نیست (احسنت) متأسفانه در چند سال اخیر بعقل گرانی سرسام آور، زندگی بر افرادی که فقط روی حقوق قانونی و مشروع خود زندگی می‌کنند سخت گرفت و عده‌ای از قضات بعقل نارسائیهای مادی دادگستری را ترک کردند و به بخش خصوصی رفتند، این اعلام خطری است برای دادگستری قوی. امکان دارد که، تکنولوژی را از غرب بیاوریم ولی قاضی را نمی‌توانیم از خارج بیاوریم این مستشار خارجی نیست متخصص خارجی نیست این یک فرد مصلح ملی است باید در محیط خودش پرورش یافته باشد و بزبور تقوی و فضل و علم آراسته باشد. دادگستری وضعیت کارش به محاذی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ما باید پیشرفت کند. یک رکن از ارکان دادگستری مأمورین اداریش هستند که

متأسفانه حقوق آنها هم با هزینه زندگی تطبیق نمی‌کند اگر قاضی هم درست رأی داده باشد باید بدست مأموران ابلاغ عمل شود اگر آنها حقوق کافی نداشته باشند و نتوانند زن و بچه شان را سیر کنند کار را از صمیم قلب انجام نخواهند داد و ناراضی ایجاد می‌شود. ما باید از نظر مادی، هم قضات و هم کارکنان اداری راغبی کنیم. اشکالی که الان در کادر اداری دادگستری وجود دارد اینست که ارتقاء مقام آنها محدود است یک کارمند اداری آخرین سمت اداریش مدیر دفتر دادگستری استان می‌تواند باشد باید پیش بینی کرد و کارمندان را تشویق کرد هم از نظر معنوی و ارتقاء مقام هم از نظر برخورداری از مقام قضایی بآنها کمک کرد تا دوش بدوش قضات سالم و پاکدامن بتوانند وظیفه خطیر خودشان را انجام بدهند نکته‌ایکه حائز اهمیت است هر موسسه دولتی بطریقی کمیسیون درست کرد، یک قاضی در آنجا شرکت می‌کند و کار قضایی می‌کند بنظر من باید اینها یک کاسه بشود عدلیه مرجع تظلمات عمومی است همه کارها باید در عدلیه باشد کمیسیونهایی که خارج از دادگستری تشکیل میشود در شهرداری، در وزارت کار، در وزارت منابع طبیعی و سایر جاها و چون بقاضی از طرف همان موسسه فوق العاده داده میشود این در جامعه اثر خوبی ندارد می‌گویند قاضی چون از شهرداری فوق العاده می‌گیرد حقوق ما را در نظر نمی‌گیرد بنده معتقدم که یا فوق العاده پاداش اینها را وزارت دادگستری بدهد یا دستگاهی که باینها احتیاج دارد این پول را به دستگاه دادگستری احاله بدهد تا وزیر دادگستری یا دستگاه اداری دادگستری در تقسیم پاداش دخالت کند و قاضی صرفاً با مؤسسه‌ایکه در آنجا خدمت می‌کنند تماس مادی نداشته باشد. بنده در خلال هفته گذشته مسافرتی بشمال داشتم در اجرای قانون شورای داور و خانه انصاف که الحق این دویده‌ایه اغلب می‌تواند فصل خصوصیت کند ولی نکته اینست که آموزش لازم را ندیده‌اند من پیش رئیس دادگستری نشسته بودم رئیس خانه انصاف آمده بود در مورد حصر وراثت حکم داده و گواهی داده بود در گواهی هم به پدر و مادر وهم به خواهر و برادر ارت داده بود و رئیس دادگستری گفت وقتی وراثت طبقه اول باشند به طبقات دیگر ارث نمیرسد اوتقصیری هم نداشت ما خودمان در اصلاحات اخیر خیلی اختیارات به شوراهای داور و خانه‌های انصاف داده‌ایم اینها به آموزش زیادی احتیاج دارند دادگاه شهرستان خوشبختانه کمتر کار

داشت ولی شورای داور و بعقل صلاحیت وسیعی که در کلیه کارها داشت و اعضای شورای داور هم چون طبق قانون سابق انتخاب شده بودند بنظر من صلاحیت رسیدگی را با این اختیارات وسیع که طبق قانون جدید بآنها داده‌اند ندارند خوشبختانه جناب وزیر دادگستری با تشکیل سمینار و دادن آموزش‌های لازم این تقیصه را زوده‌اند ولی راجع به خانه‌های انصاف بنظر من باید هر چند واحد زیر نظر یک قاضی اداره شود تا موجبات اجرای عدل پهلوی در دهات و روستاهای ما بسادگی فراهم شود چسبون اعضای خانه انصاف واقفند و از نزدیک می‌دانند که ریشه اختلافات چیست و پرونده را در همان سطح تمام می‌کنند و نمی‌گذارند بمراتب بالا برود نکته‌ای که لازم است یادآوری بشود نظرات ملی است دادگستری به تنهایی شاید نتواند مبارزه با فساد کند ما مردم ایران، حزب رستاخیز، مجلس شورای ملی باید از حالت بی تفاوتی خارج بشویم (چند نفر از نمایندگان - نمایندگان مجلس بی تفاوت نیستند) امروز می‌بینیم که افرادی بهره‌گیری غلط از زندگی کرده‌اند و درآمدهای نامرئی بدست آورده‌اند و زندگی را بر مردمی که درآمد منظمی دارند تنگ کرده‌اند نکته‌ایکه در اینجا دوست عزیزم بیان کرد راجع بزمین. ما طبق ماده ۶ زمینها را ملی کردیم (مهندس صائبی) زمین ملی نشده اراضی جنگلی ملی شده (ولی درواگذاری این اراضی جنگلی در اجرای طرحها خیلی تبعیض شده در شمال عده‌ای این زمینها را گرفتند که حق گرفتن آنها را نداشتند. در شمال این امر کاملاً بچشم می‌خورد اجرای طرحهای کشاورزی بدست این عده‌ای که این زمینها را گرفته‌اند عملی نیست (طیح است) و مردم قرب جوار آن حدود که عدلیه را باعث گرفتن این زمین میدانند من غیر مستقیم با دادگستری مخالف شده‌اند در حالیکه بنده معتقدم اگر مطالعه میشد و این زمینها را به افراد واجد شرایط میدادند هم کمبود مواد غذایی برطرف نمیشد وهم این تبعیض به چشم نمی‌خورد، در سایر موارد هم عرض کنم مثلاً شما امروز یک مناقصه دولتی می‌گذارید نفر اول مناقصه را میبرد بعد میدهد به دومی بدون اینکه هیچ کاری انجام داده باشد، دومی به سومی و نیز سومی به چهارمی میدهد و در این رهگذر یک مقدار سوء استفاده میشود ما باید قوانینی وضع کنیم که مناقصه را همان دست اول یا دستی که برنده شده است خودش اجرا کند ما باید از این بی تفاوتی بیرون بیاییم به بخش خصوصی نگاه کنید و ببینید خوراک مردم به چه ابعادی

بالا رفته است سرمایه بخش خصوصی چندین برابر شده ولی آنهاييکه بحقوق مردم تجاوز کرده‌اند مجازات نشده‌اند ما برای اینکه بتوانیم آنهايي را که بناحق بحقوق مردم تجاوز میکنند و درآمد سرشاری بدست می‌آورند مجازات کنیم و برای اینکه درآمد با کار تناسبی داشته باشد و هیچکس برحسب اتفاق نتواند درآمد نابهنگامی بدست آورد باید یک ضوابطی برقرار بکنیم باید از طریق مالیات گرفتن از آنهاييکه ثروتهای بی‌جهت کسب کرده‌اند یک تعاونی برقرار نماییم دو فرمان اخیر شاهنشاه بیدار دل ما شامل حال ملت ایران شد شما ببینید این زمین چه بلایي سر ملت ایران آورد پایه‌های فضیلت ما را از بین برده کافی است کسی یک قطعه زمین داشته باشد و معادل سالها تخصص یک فرد ثروت بدست بیاورد، ما نباید اجازه دهیم زمین‌موجبات ثروت نابجای دیگران باشد باید مثل یک کالای معمولی و درحد متعارف بتواند ترقی قیمت داشته باشد که خوشبختانه در فرمان اخیر این نکته پیش‌بینی شده شما لایحه از کجا آورده‌ای را اجرا نکردید اگر لایحه از کجا آورده‌ای را اجرا کرده بودید فرمان اخیر اعلیحضرت بهتر اجرا میشد، شما نمی‌بینید در این مملکت در بخش خصوصی یک سرمایه محدود آنچنان در حول و حوش ثروت پیدا میشود که انسان می‌گوید این همه پول را از کجا آورده‌اند این همه مسافرت‌های خارج و خریدهای از خارج را از کجا می‌آورند، اینها از مواردی است که ما اجازه داده‌ایم که این درآمد ناحق را داشته باشند بهر صورت دادگستری در عصر رستاخیز رسالت دازد که اجرای عدالت بکند حزب رستاخیز رسالت دارد که اجرای عدالت بکند بنده در یکی از جلسات باتفاق هیئت اجرائی جناح پیشرو بخدمت جناب آموزگار شرفیاب شدم در آنجا عرض کردم که جنابعالی وزیر کشور بودید، رئیس هیئت اجرائی بودید نمایندگان را که در این دوره انتخاب شده‌اند شما میشناسید اینها می‌توانند سپاه صلح و ارشاد و نظارت باشند اگر از باب نظارت است از نمایندگان بهتر می‌توانید استفاده کنید ولی آن نقش لازم را ما نداریم نمایندگان اجرائی نسبت به احساسات دارند ما را نماینده یکصد هزار نفر مردم نمیدانند من بارها شده است که که خودم را نماینده معرفی نکردم و بعنوان قاضی کارم انجام شده است ولی همینکه گفتم نماینده مجلس هستم کارها به اشکال برخورد کرده است از جناب آموزگار که واقعا سرش و خصوصیات ایشان در حد

کمال در جهت معنویات میباشد میخواهیم حال که رئیس دولت هستند ما نمایندگان را یاری کنند تا بتوانیم در محیطی که وکیل شده‌ایم برای بار دوم جرأت عرض وجود داشته باشیم ما بعلت نارسائی کارمان و بعلت عدم شوائی مقامات اجرائی شاید یک مقدار حیثیت و آبروی خودمان را به خطر انداخته‌ایم ما جزء شما هستیم برگزیده حزب شما هستیم (چند نفر از نمایندگان ما برگزیده ملت هستیم) البته برگزیده مردم هستیم در زمان بست وزیر کشوری ایشان بود، مسلماً ما برگزیده مردمیم در زمان وزارت کشور آقای آموزگار ایشان این امکان را فراهم آوردند که مردم نخبه‌ترین افراد را انتخاب کنند حال باید ما رایاری کنید و به ما امکان بدهید تا ما خواسته‌های حوزه خودمان را با مقامات اجرائی در میان بگذاریم و بتوانیم در پیشرفت برنامه‌های دولت مؤثر باشیم یکی از همکاران امروز صبح فرمودند ما مدافع شما هستیم ما وقتی به شهرستانها می‌رویم و در اجتماعات شرکت میکنیم مدافع شما هستیم یعنی باید این کار را بکنیم ولی خود مقامات اجرائی در بعضی از مواقع آنطور که شاید و باید توجهی ندارند من تقاضا دارم به معاونین پارلمانی که افرادی شریف هستند و از فرد فردشان گله‌ای ندارم یک مقدار قدرت بیشتری داده شود، چون اگر خدای نکرده معاون پارلمانی، معاون اداری و مالی نباشد کاری از او ساخته نیست و ما انتظار داریم که بتوانیم با کمک معاونین پارلمانی اشکالات حوزه انتخابی خودمان را برطرف کنیم بالنتیجه اگر ما موفق باشیم برنامه شما پیشرفت کرده است، نکته‌ایکه در آخر کلام باید باستحضار برسانم این ضابطه رفع تبعیض است اگر ما نخواهیم در مقررات استخدای، در استخدام قضات رعایت ضوابط را بکنیم و یک ضابطه خاصی بگذاریم میتوانیم افراد خوبی را برمسند بنشانیم خوشبختانه طرز استخدام در بعضی از دستگاهها و مخصوصاً در ارتش خوب است چون در یک کمیسیونی شرایط انتخاب بررسی میشود ما هم باید این شرایط را تسری بدهیم و تمام افراد خوب درمسند کار باشند و مدیریت صحیح را اعمال کنیم تا برنامه جنابعالی که خوشبختانه همه از افراد خوب و متخصص و خدا شناس تشکیل شده موفق و مؤید باشد من بیشتر وقت مجلس را نمیگیرم توفیق جنابعالی و همکاران شما را از درگاه خداوند متعال خواستارم (احسن است).

رئیس - آقای سالار جاف بفرمائید.

سالار جاف - بنام خداوند متعال - بنام شاهنشاه معظم آریامهر با کسب اجازه از جناب آقای رئیس - همکاران گرامی.

جناب آقای آموزگار نخست‌وزیر محبوب، هیئت محترم دولت.

ضمن تجدید تبریکات صمیمانه بحضور یکایک سروران معظم و ارجمند، پیش از هر چیز درود فراوان ملت حق شناس ایران به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایونی شاهنشاه آریامهر رهبر خردمند ملت ایران حتی یک لحظه از حفظ منافع ملی و رفاه مردم این مرزوبوم غافل نیست و از سایه رهبریهای خردمندانه معظم‌له روز بروز روبه ترقی و تعالی می‌باشم.

جناب آقای آموزگار در حین تقدیم برنامه دولت مقدمه بسیار بسیار زیبا به جملات امیدوار کننده ایراد فرمودید که چنانچه چندین برابر هم میبود حوصله شنیدن و تجزیه و تحلیل آنرا داشتیم و برای من محرز بود که از ته قلب جملات امیدوار کننده را ایراد فرمودید، باید هم یک نخست‌وزیر همچو صراحت لهجه داشته باشد.

جناب آقای نخست‌وزیر بطوریکه استحضار دارید ما نمایندگان ملت برگزیدگان از ته قلب آن روستائی و آن کارگر و آن اصناف و طبقات اجتماع در عصر پرشکوه حزب رستاخیز ملت ایران بساحت مقدس مجلس شورای ملی راه یافتیم، بنابه آنچه گذشت مسئولیت خطیروجدانی و اخلاقی و بالاتر از همه مبلی داریم و پشت این تریبون بصدای رسا بقرآن مجید سوگند یاد کرده‌ایم از شاه و ملت خیانت نکنیم، بنابراین با توجه بمطلب فوق روابط هر چند قوی و محکم باشد نباید مانع اجرای ضوابط گردد. منظور از این مقدمه بصراحت لهجه می‌گویم یک نماینده مجلس وقتی دین خویش را اداء نموده است، محاسن دولت و معایب را بی نظرانه بنفع ملت بگوید، حالا ملاحظه می‌فرمائید چه مسئولیتی از این سنگین ترمی‌تواند باشد ولی من هم باشما موافقم باید گفته‌های یک نماینده در چهار چوب، اولاً آئین‌نامه داخلی مجلس باشد و از حدود سه اصل حزب رستاخیز ملت ایران تجاوز نکند. علاوه بر آنچه گذشت بدولت باید دستور فرمائید برای پیگیری کار مردم و دریافت پاسخها در اسرع وقت به نمایندگان برسد. و به سکرترها اخطار شود بعلت جلسات هر روزی وزیر، نمایندگان را از کار نیاندازند، صراحتاً بگویند جناب وزیر شما را خواهد پذیرفت یا نه، اصولاً نمیخواهد شمارا ملاقات کند این مسئله برای من خیلی مهم است که ما هم بتوانیم ملت را قانع نگذاریم و عین الطاف

آنجناب وزیر را ابلاغ کنیم.

جناب آقای آموزگار توصیه‌هایی در برنامه تقدیمی دولت بطور رئوس ارقام دارم.

با کسب اجازه از مقام ریاست عظمی مجلس بدولت جنابعالی تذکر می‌دهم که شاید خداوند کمکی کند بتوانید مشکلات داخل و فصل فرمائید.

۱ - معنی و مفهوم اولویت‌های بعضی از مقامات مرکز و استانها هنوز قابل درک نیست، استدعا دارم بوزیر محترم اطلاعات و جهانگردی دستور فرمائید جزوه‌نی راجع به اولویتها و مفهوم واقعی آن تهیه فرمائید و بکلیه جنابان استانداران و فرمانداران و مدیران کل استانها ابلاغ شود تا مطابقت در مورد اولویتها تکمیل گردد و گرنه فقط یک کلمه بیش نیست.

۲ - در مورد شبکه راهها بسیار ناچیز و عقب افتاده هستیم و تازه فرعی روستائی اصلی اتوبان نداشته باشیم نمیتوانیم فرهنگ سالم و بهداشت خوب رفاه کامل بمناطق بیریم، مسئله راههای کشور یک مسئله حیاتی توصیه میشود.

۳ - سیاست اقتصادی و رشد بی سابقه آن برای هر ایرانی باعث غرور و مباهات میباشد، ادامه این سیاست بنفع دولت و ملت خواهد شد و مسئله تورم در کشور ما مصنوعی است، احتیاج است دولت آن عالی جناب مبارزه جدی به مسیبن این تورم مصنوعی بعمل آورد.

۴ - از نظر آموزش و پرورش از کودکستان تا دانشگاه مورد تأیید است، ناگفته نماند دولت سابق بسیار زحمت کشیده و در آن مورد بعدن ساسی رشد داریم ولی توصیه من بدولت این است که سعی گردد مدارس حرفه‌ای و دانشسراهای مقدماتی و کشاورزی را چندین برابر کند. بازده بسیار مطلوبی خواهد داشت.

۵ - در مورد نیروی دفاعی کشور که نیرومند بودن آن کارت بیمه سلامت اجتماعی و امنیتی هر ایرانی است، اگر لازم باشد باید فرد فرد ما به آنها همکاری کامل داشته باشیم و از پوشاک و خوراک مان صرفه‌جویی بنفع تقویت نیروهای مسلح شاهنشاهی بعمل آوریم.

۶ - در مورد شبکه مخابراتی جلو هستیم و کار این گروه از دولت بسیار جالب و سریع انجام میشود چه از نظر تلفن و تلگراف و بیست ولی متأسفانه حقوق و مزایای کارکنان پست اینقدر ناچیز است که از یک رفتگر شهر باوه کارکنان پست کمتر حقوق دارند، بدولت

این تذکر لازم را میدهم و تقاضای توجه مخصوصی نسبت بکارکنان پست دارم.

۷ - خوشبختانه سیاست خارجی ما بسیار خوب است و بر مبنای احترام متقابل و دیپلماسی بسیار ممتاز است، تنها توصیه من اینست حقوق همه ایران در خلیج فارس همیشه از نظر دولت دور نباشد چون خلیج فارس برای ملت ایران شاهرگ حیاتی است.

۸ - وضع کشاورزی که مبیاست مصدر تولید مواد غذایی برای خارج از کشور باشد. متأسفانه برای مصرف یک ماه داخل کشور نیز کفاف نخواهد کرد. توجه دولت را به این امر مهم معطوف میدارد و از مسئولین امر خواستار تعیین مسائل کشاورزی هستم. از وزیر کشاورزی بخواهید که در سطح بالا مخصوصاً منابع طبیعی و در سازمانهای شیروکشت و کشت و صنعت پالک سازی فرمایند تا دست دلالتها از وزارت کشاورزی دور شود.

۹ - در مورد خاتمه دادن بنقشه‌های جامع شهرها و تعیین و تکلیف تقسیمات کشوری و وقت در انتخاب فرمانداران و بخشداران و تفصیل لیاف کاردانی و سادات و دلسوزی و ترجیح آن بر سر سابقه خدمت که یک بخشدار ده سال سابقه خدمت دارد و هیچ کار هم نکرده است. ولی یک بخشدار فعلاً چهار سال سابقه دارد لیاف فرمانداری را پیدا کرده است.

۱۰ - خوشبختانه وزارت کار و امور اجتماعی در مورد رفاه کارگران و ایجاد تقاضای بین کارگر و کارفرما الحق کوشش زیادی شده، بدولت حضرتعالی توصیه میشود کارگران را مورد حمایت قرار داده و از احترام فعلی همیشه برخوردار باشند، چون این گروه شریف با زور بازوی خود چرخهای صنعتی مملکت را بگردش در میآورند و توقع ملت و دولت از برادران کارگر هم این است کار بیشتر صداقت و شرافت خویش را مانند همیشه حفظ و نگهداری فرمایند و وظائف محوله را بنحو احسن انجام دهند.

جناب آقای نخست‌وزیر.

۱۱ - در سرلوحه برنامه دولت مسکن را مطرح فرمودید توصیه اینست برای کارمندان که حقوق ضعیف دارند خانه‌های ارزان قیمت که بتوانند بدون پرداخت پیش قسط یا ماهیانه ۳۰٪ حقوق و مزایای خویش مالک یک منزل بشوند. و برای طبقات ضعیف‌تر از نظر درآمد باید دولت گذشتی داشته باشد که حداقل ۳ الی ۴ درصد وام بلاعوض و بقیه که مجموع آن ۲۰۰/۰۰۰ ریال

تجاوز نکند، برای احداث خانه‌های ۳ اتاقه در زمینهای دولتی برایگان احداث گردد و به آنها تحویل شود، مطمئن باشید گروه کثیری صاحب خانه میشوند و خانه لوکس و سوپرلوکس روی دست بسازند و شهابمانند وبالطبع اجاره بها و قیمت زمینها پائین خواهد آمد.

جناب آقای نخست‌وزیر.

۱۲ - مسئله برق و آب یک مسئله حیاتی است. چه برای مصارف شخصی و چه برای کشاورزی و صنعت و راجع به خاموشیهای اخیر باید اول ناظران ایرانی محاکمه و تعقیب شوند، آنوقت خارجی غلط میکند حق ایرانی را پایمال کند، ولی برنامه ریزان باید محاکمه شوند و مستبیین هم معلوم گردند و تسلیم عدالت شوند.

دولت حضرتعالی امیدوارم قول بدهد بعنوان ابتکار این مسئله را حل کند.

۱۳ - سیاست بازرگانی ما زیاد تأسف آور بود ولی با

آمدن آقای دکتر تسلیمی در این دو سال اخیر مقداری تحسین پیدا کرد، از وزیر جدید هم انتظار داریم که وضع صادرات را بسیار بیشتر و واردات کمتر فرمایند. به اعتقاد بنده تسلط بر بازارهای خاورمیانه بویژه سواحل خلیج فارس و آفریقا و هندوچین و ارسال اجناس ایرانی اگر چه در اوایل ضرر هم داشته باشد بسیار مقرون به صرفه، چون خواه ناخواه در انتهای دهه دوم انقلاب شاه و ملت احتیاج مبرم به بازار داریم.

۱۴ - در مورد آزادی قلم و بیان اشاره فرمودید بعقیده

بنده باید به مطبوعات خیلی کمک معنوی و مادی بشود تا بتوانند کادر بسیار قوی برای خود تهیه و مجبور نشوند از ۲۰ صفحه روزنامه ۱۷ صفحه آگهی داشته باشند و آزادی قلم وقتی بدرد میخورد مانند یک سنگر برای دفاع از مصالح مملکت و تشویق ملت به همکاری بدولت تفهیم مسائل مملکتی بجانهای عصر حاضر و تجزیه تحلیل مشکلات و تنگناها جداً باید کارآئی نشان دهند. مسلم است چون یکی از سالمترین افراد مملکت بوزیر اطلاعات و جهانگردی انتصاب یافته و برای اربابان مطبوعات شناخته شده است، وزارت اطلاعات و جامعه مطبوعات باید مانند یک خانواده مشکلات را با هم حلایمی نموده و از ایده همدیگر بهره‌مند شوند و مشکلی پیش نخواهد آمد.

۱۵ - آخرین توصیه بنده مورد خاصی که علاقه و افری از طرف نمایندگان مجلس وجود دارد که به خدمتگزاران جزء ماهیانه پاداشی داده شود که بتوانند

بعقیده من و با اعتقاد قلبی من آن چیزی که در طول سالهای اخیر از برنامه‌های دولت حذف شده یا به آن توجه نشده عدم توجه به مبانی مذهبی و ملی بوده است (صحیح است) صمیمانه معتقدم برای جامعه هر قدر در صد ساختن سدها و کاخها و بناها برآئیم و هر قدر رفاه عمومی بپردازیم اگر از توجه مبانی ملی و مذهبی غفلت کنیم حکم آنرا خواهد داشت که کاخی را رنگ و روغن زده‌ایم بدون اینکه به پایه‌ها و پای بست آن توجه داشته باشیم

(صحیح است) فضای رستاخیزی حکم میکند که من در جریان هویت ملت ایران اشاره کنم که هر کس در هر پایگاهی که هست اعم از اینکه بعنوان یک نماینده مجلس پشت این تریبون صحبت بکند یا در صف هیأت دولت باشد، یا بعنوان کشاورز در صحراهای مملکت شخم بزند هر ایرانی در هر پایگاهی اگر موضع ملی خودش را تشناسد و اگر باصالت فرهنگ ملی آشنا نباشد راهی بسوی پیروزی برای این ملت نخواهیم داشت تعجب آور نیست اگر از سحرگاه تا حالا در زمینه نارسائیهای مربوط به آب و برق و تخلیه روستاها و بنادر و نظایری از این قبیل مطالبی بشنویم این تعجب آور نیست بجز اینکه ما درون مان را از جهت برنامه ریزیها در جهت رفاه عمومی خالی خواهیم کرد تلاش ما دوییدن در تاریکیها بود

بجهت اینکه نپرداختیم آنچه که فرهنگ ما و بنیاد ملی ما یا بعقیده من بازشناسی فرهنگ ملی ما است مصلحت این است که این نکات را رعایت کنیم اول بعد از توجه به مبانی دینی و مذهبی اشاره به نظام شاهنشاهی جزو فرهنگ و اصالت ملی ما است (آفرین) ما نظام شاهنشاهی را بعنوان یک مکتب قبول کردیم و بعنوان یک پایگاهی که بین ملت و ستاد رهبری ملت پیوند ایجاد شود پذیرفته‌ایم ما نظام شاهنشاهی را از آن جهت شناختیم و بان معتقدیم که مظهر استقلال ملی ما بوده است (احسن) بنابراین در یک چنین پایگاه و نظام فکری لازم است که توده مردم را با چنین نظامی آشنا کنیم نه بعنوان یک شعار بلکه بعنوان یک مکتب و یک اعتقاد قلبی، در جریان هویت ملی اصالت خانواده با کمال تأیید بمقدار زیادی نادیده گرفته شده است. ما وقتی مطالعه میکنیم فرهنگ غنی ایران را می‌بینیم به خانواده ایمانی قوی و با پادشاه پل شده است وجود این احترام و حرمت خانواده سبب شده بود که ما بان بنیاد اساسی بنام نظام شاهنشاهی اعتقاد پیدا کنیم، حرمت بخانواده سبب شده بود که اتحاد بین افراد در بین ملت و جامعه زندگی ساز باشند و نقش

بحدافل زندگی نایل آیند، چون این گروه از مشکلات دردناکی از نظر مادی رنج میبرند، پس عطف و احساس دولت آن عالیجناب را نسبت به این گروه زحمت کش جلب میکنم.

جناب آقای آموزگار نخست‌وزیر محبوب، در پایان سخنانم میخواهم از خدمات چهارده ساله جناب آقای امیرعباس هویدا و اکثر همکاران محترمش تجلیل بعمل آورم و موفقیت معظم له را در سنگر وزیر دربار شاهنشاهی جهت خدمات صادقانه بشاهنشاه آریابهر و خاندان جلیل سلطنت آرزو دارم. (احسن)

مشکلات بسیار زیاده است ولی وقت کم است مطمئن هستم با بودن دانشمندانی که با حضرتعالی همکاری مینمایند ترقی و تعالی در کار پیدا خواهید فرمود.

با عرض سپاس از جناب آقای رئیس و همکاران گرامی.....

در پایان مانند همیشه میگویم خوشوقت و خوشحتم اولین نفری باشم در سنگر مبارزات ایران پرستانه تا آخرین قطره خون خوش بریزم و آخرین حرفم این باشد.

جاوید شاهنشاه پاینده ایران (احسن - احسن)

رئیس - آقای یزدی تشریف بیاورید.

یزدی - جناب آقای رئیس، همکاران محترم، من بجهاتی برنامه دولت را آنچه که ارائه شده بود قرائت نکردم بدلیل اینکه همانند همه مردم قبل از اینکه جناب آقای دکتر آموزگار برنامه خودشان را اعلام کنند میدانستم که سرآغاز و سرفصل برنامه دولت آموزگار همان جمله رسانی است که در کنگره حزب رستاخیز ملت ایران بان اشاره کردند و آن فضیلت اخلاقی است (احسن) من با تکیه بر این جمله و با آگاهی به روحیه چنین فردی لازم میدانم که برنامه دولت را صرفاً از همین دیدگاه بررسی کنم بجهت اینکه امروز فرصت بسیار مناسبی می‌یابم تا در چنین ساحتی و در چنین پایگاهی بعضی چنان مطالبی بپردازم که سالیان دراز در قلبم خانه کرده بود، جناب نخست‌وزیر اصراری ندارم که مشکلات و نارسائی و تنگناهایی را که از سحرگاه امروز تا بحال شنیده‌اید تکرار کنم ولی قابل توجه است که بدینم اصولاً در یک جامعه روبرقی و تکامل نظیر ایران که موانع و عواملی برای عدم پیشرفت وجود ندارد چرا در یک تنگنای خاصی و یا در یک شرایط خاص زمانی ما با یک مشکلاتی روبرو میشویم که طرح آنها و بررسی آنها در شان ملت ما نیست

سازندگی را در جامعه ما ایفا کند ولی غفلت از این مبانی و دور ماندن از مسائل خانواده و میراث خانواده سبب شد که ما امروز مسائلی از قبیل مهاجرت کن را داشته باشیم عدم توجه باین مسائلی که یادآور شدیم سبب شد که ما در یک فضای خالی گام برداریم اگر ما بتوانیم یک چنین سرمایه گذاری بروی اندیشه هاب عمل بیاوریم اگر بتوانیم مغزها را بارور کنیم دیگر مشکلاتی نظیر آنچنان که تا بحال داشتیم نخواهیم داشت درست است که در سطح دانشگاههای مملکت ما مهندس و تکنیسین و دبیر و گروه سازنده تحویل جامعه خواهیم داد ولی اینها زمانی منجر نخواهند بود و زمانی می توانند در راه رفاه عمومی گامهای مثبت بردارند که انباشتمندانی باشند با اندیشه و مغزهای بارور که معتقد باشند بفرهنگ ملی ما و اصالت ملی ما و مسئولیت را با همه وجود احساس کنند جناب آموزگار روزگاری در مملکت کسانی از خانواده هائی بودند که معتقد بودند که اگر لقمه حرامی تناول کنند فرزند حلال زاده بجای تحویل نخواهند داد توجه بلقمه حلال در آن حد در خانواده هاریشه داشت که افراد خانواده را از هر فسادی برکنار نکمیداشت ما با هیچ مکتبی و با هیچ ایده نولوژی، جز ایده نولوژی اسلام نخواهیم توانست بچنگ فساد و رشوه خواری برویم (صحیح است - آفرین) این سوال من از دستگانهائی مسئول است که با چه مکتبی قادر هستیم بچنگ خرابکار و کمونیست و سوسیالیست و عناصر بیگانه ای که بچنگ با ملت ما برخاسته اند بروید. جز با فضیلت اخلاقی و جز با اصالت ملی و جز با مکتب اسلامی هیچ وجه قادر نخواهیم بود جز با این سلاح مبارزه علیه آنها بپردازیم. در جامعه ما آنجا که سخن از هویت ملی مطرح است و با کمال تأسف باید بگویم وزارت آموزش و پرورش تا بحال نهایت کوتاهی را در این راه روا داشته است و نسل جوان ما با فرهنگ گذشته ما بیگانه مانده در یک چنین لحظاتی وقتی صحبت از هویت ملی مطرح است این هراس را نخواهیم داشت از اینکه مکتب ناسیونالیسم ملت ایران را مطرح کنیم و این همان ایسمی است که ما پنهانها از اعلامش هراسی نداریم بلکه با اعتقاد از آن یاد می کنیم ما از هیچ ایسمی در این مملکت هراسی نداریم و اجازه تجلی به آنها نخواهیم داد چون آنها در تاریخ حیات ملی ما ننگین ترین صحنه ها را بوجود آورده اند و ما شاهد تجاوز بحقوق دیگران در پناه این ایسمها بوده ایم ولی ایسم ناسیونالیسم ملت ایران و شناخت ملت ایران و شناخت فرهنگ ملی ایران آنچنان شناختی است که باید در کلاسهای ما آموخته

شود جناب آموزگار شگفتی آور است اگر بشنویم وقتی رادیو ایران را باز میکنیم از فرزندان این آب و خاک سوال میکنند که فردوسی کیست و او نمیتواند جواب بدهد و با مقداری راهنمایی بالاخره بگوید او شاعر نو بردازی بوده است این یک زنگ خطر است زنگ خطر از آن جهت است در جوامعی که به سوی مادی گرایی میروند و پشت کردن به گذشتگان و مفاخر ملی سنت خواهد شد در این جامعه کمالات ما امروز چنین صحنه هائی داریم و باز اشاره میکنم در هفته گذشته بحکم مأموریت حزبی که داشتم در استان کردستان و بندر عباس برایم بسیار جالب بود که از اکثر جوانان یک سخن می شنیدم بخصوص جوانانی که در کردستان بآنها برخورد میکردم آنها میگفتند از دولت سوال کنید علت عدم توجه دولت به مبانی و مذهبی چیست؟ سرپرست اردوی عمران ملی بلند شد بانهایت انسردگی اعلام کرد که چرا در مراسم صبحگاهی ما هنگام برافراشتن پرچم این چنین بی تفاوتی در بین گروههای جوان ما هست اینها نشانه هائی از حیات ملی است اگر این چراغهای کوچک را هر چند سوسوی کوچکی داشته باشند خاموش کنیم چراغ بزرگ حیات ملی را خاموش کرده ایم (احسن) در هنگام اجرای مراسم صبحگاهی که قرآن قرائت میشود و با کمال تأسف در بسیاری از جاهائ قرائت نمیشود این کلام خداست که باید به فارسی ترجمه شود و تأسف او راست که بیستم جوانان ما و دانش آموزان ما جناب وزیر یکی خوابیده یکی ایستاده و یکی بیچ بیچ میکنند این بی توجهی بکلام خدا و بی توجهی به برافراشتن پرچم سه رنگ ایران که جزو مظاهر ملی ماست و این بی توجهی به تبار ایرانی و بفرهنگ ایرانی و به استقلال این سرزمین است، من سخن از خاموشی برق ندارم چون این خرابی هارا با قدرت دولت و همت ملت دوباره می توان ساخت ولی ساختن اندیشه های مردم، بازسازی فرهنگ ملی، آن چیزی است که من امروز از پشت این تریبون بعنوان زنگ خطر اعلام میکنم و ما مظاهر آنرا بسیار و بسیار در این جامعه با کمال تأسف می بینیم این گرایش بسوی خارجی است، همه چیز خارجی و فرزندانمان را میفرستیم خارج برای تحصیلات خارجی، یک روز در حضور جناب آقای هویدا جناب آقای گنجی عرض کردم که من بفکر ناقص خود مصیبت نمیدانم جوانهای این مملکت را قبل از ذیلیم به اروپا بفرستید اگر این جوان زادر آنجا شستشوی مغزی نکنید و اگر اوراق ضد ملی بدستش بدهند و اگر بدست او اسلحه بدهند، اگر

او را با افکار ضد ملی روانه این مملکت نکنند اگر در اردوگاههای ضد ملی به اوسلاهای جدید را نیاموزند وقتی که بر میگردد به مملکت یک مهندس مسئول نیست بجهت اینکه او را دور کرده ایم از کانون گرم خانواده، او را از ندا و کلام ایران دور کرده ایم و از تاریخ ایران دور کرده ایم و از مفاخر ایران دور کرده ایم و به دامان اجنبی سپردیم که بزرگ کند و باغوش وطن برگردد آن جوان هائی که در این مملکت هر روز هر شب سخن از سردارهای ملی و مفاخر ملی ما نادرها و شاه اسماعیل ها می شنوند، بحکم عدم رسالتی که به آنها نیاموخته اند چه میکنند وای بحال آن جوان هائی که بروند آنهم از خردسالی و در سنین بالا برگردند، این اعتقاد شخص من است و برویش تکیه کرده ام و اگر ضروری دانستم مواردی را اعلام می کنم، بعنوان کسی که سالهای سال با گروههای نسل جوان آشنائی داشته مطالبی را عرض میکنم باید بحضور جناب آقای نخست وزیر عرض کنم مسئله دیگر، باز هم بعنوان هویت و شناخت ملی مسأله کتابهای تاریخ مملکت است جناب آقای آموزگار نمیدانم چه اصراری است که در کتابهای کلاسیک ما هنوز تاریخ مغول را بخوانیم و هنوز شرح تجاوزات یک گروه اجنبی و غیرتمدن که بحریم مملکت ما تجاوز کردند و سالیان دراز هم حکومت کردند شرح حال آنها را بخوانیم آنها که حکومت و سلطنت ایرانی نداشته اند (چند نفر از نمایندگان - این جزء تاریخ است)، تاریخ را در زمانی اعتقاد داریم که بعنوان تاریخ ریشه های این نوع تهاجمات را بررسی کنیم که علت تهاجم و علت اینکه مغولها بایران حمله کردند و علت سقوط حکومتهای ایرانی چه بود و خواهیم بسازیم یک ملتی را بر بنای چنین افکاری و اندیشه هائی و بیاموزیم چنین بندهائی را از گذشتگان باید آموخته نه پشت کردن بر چنین بندهائی با کمال تأسف در این کتابها هیچ جا چنین اشاره ای ندیده ام. در جریان هویت ملی یک از پایگاه هائی که در اختیار دولت است سازمان رادیو و تلویزیون مملکت است این سازمان، سازمانی است که امروز بهر کوره دهی که راه پیدا کنیم هر روستائی در کنار کشتزار خودش یک رادیو دارد و در بسیاری از بخشها و شهرهای این مملکت تلویزیون را برده ایم و در اختیار دارند اما جناب آقای آموزگار اعتراف کنیم که با کمال تأسف آن رسالتی که بعهدہ مسئولین تلویزیون بوده آنچنان که ما می خواهیم که در شان انقلاب و در شان فضای رستاخیز باشد این رسالت را انجام ندادیم، رقص های غیر ملی و ترانه های غیر ملی و سرودهای غیر ملی

و اقتباس از غرب و شرق حکم آن ذره های زهری را دارد که بکام این مملکت و فرهنگ ملی این مملکت میریزد گاهی اوقات با کمال تأسف وقتی صفحه تلویزیون را باز می کنیم شرمند از این هستیم که چگونه این برنامه ها را بفرزندان خودمان ارائه دهیم من این را در جریان کمیسیون بودجه بمقامات مسئول یادآوری کرده ولی کو گوش شنوا باقیان گفتم شما که سال زن میگیرید و شما که اینهمه دم از حقوق زن می زنید و شما که معتقدید که از زن باید بحکم یک وجود سازنده و مادر استفاده کرد، این مادر آینده را بخت و عریان جلو صفحه تلویزیون بیاورید که کالاهای تجارتي شما را تبلیغ کند این شکستن حرمت بانوان است، این شکستن حریم خانواده است و این اهانت بمقام والای مادر است، من با توجه به وقت کمی که هست و با اعتقادی که با قکار این دولت دارم از بازگویی نارسانئی ها میگذرم چون معتقدم که هیچ کس در شرایط خاص مسلط تر بر نارسانئی ها باندازه دولت جناب آموزگار نیست و این صلاحیت را از آنجا احراز کردند که فرمان را دریافت کردند و وجود ایشان در این مجلس نشانه چنین صلاحیتی است و من امیدوار هستم که جناب آقای آموزگار با آن فضیلتی که دارند و با آن تقوای سیاسی که داشته و دارند موفق برقع این نارسانئیها بشوند ولی باز هم اشاره می کنم باینکه همه این برنامه های عمرانی و سیاسی شما زمانی سازنده خواهد بود که اعتقادات را بمسائل مذهبی و ملی از دست ندهید (احسن) رئیس - آقای دکتر غاملی بفرمائید.

دکتر عاملی تهرانی - جناب آقای رئیس همکاران ارجمند هنگام مناسبی برای سخن نیست، درست نیمه شب است و فقط عنایت و لطف شما خواهد بود که بمن جرأت میدهد در این هنگام آغاز به سخن کنم، درباره برنامه دولت، دولتی که اگر بر اساس تقسیم بندی های سابق بود در حالی که تردید میکردم که آیا بعنوان موافق یا مخالف صحبت کنم ولی بیشتر رغبت داشتم که در توضیح بسیاری از جملات و کلماتی که به این برنامه اختصاص یافته است بعنوان موافق صحبت کنم، من در اینجا بیانات خودم را بدو قسمت تقسیم میکنم در یک قسمت به بررسی این نکته می پردازم که اصولاً برنامه و موجودیت این دولت در چه شرایط و در چه فضائی شکل گرفته است، اساساً چرا این دولت تشکیل شده و چرا این چنین برنامه ای را ارائه داد و سپس در صورتیکه وقت اجازه بدهد بتوضیح بعضی از نکاتی که در این برنامه

آمده است می پردازم ، آیا باید ساده تلقی کنیم آمدن دولت جدید را ؟ و باید بگوئیم جریانی است ادامه جریان دولتی که رفته است بدلیل اینکه ۳ سال و اندی بر سرکار بوده است و دولت جدیدی آمده است همین و بس ، یا اینکه لازم است شرایطی که این دولت در آن آمد و حوادث و رویدادهای بسیار مهمی را که همزمان با تشکیل دولت و همزمان با ارائه برنامه دولت وقوع پیدا کرد مورد مطالعه قرار بدهیم به آنها هم توجه کنیم به فلسفه آنها هم توجه کنیم به ریشه های آن حوادث هم توجه کنیم و به بینیم آن فضائی که این دولت را مستقر کرده است چی است ؟ در هنگامی که دولت حاضر به پیشگاه شاهنشاه معرفی میشد شاهنشاه بیاناتی فرمودند که چون شما بدقت آنرا شنیدید و خواندید بازگو نمیکند ولی در همان بیانات شاهنشاه مژده دادند که دو اصل از اصول انقلاب ایران را در فاصله چند روز بیان خواهند فرمود هنگامی که سخن از برنامه دولت بود ما در کردیورهای مجلس تجزیه و تحلیل و پیش بینی هائی میکردیم پیش بینی ما این بود که یا دولت فردا قبل از اینکه دو اصل اعلام شود برنامه خود را ارائه خواهد داد و در این برنامه بطور کلی نوشته خواهد شد برنامه دولت ناظر است به اجرای انقلاب شاه و ملت که اتفاقاً این عبارت در صفحات اول برنامه هست و یا اینکه دولت بلافاصله بعد از اینکه دو اصل اعلام شد و با منظور کردن سهم و بهره ای از دو اصل این برنامه را اعلام میکنند این تذکر را از این جهت میدهم که عنایت شما را جلب کنم به ارتباط دقیقی که بین فضای دو اصل که اعلام میشود و برنامه شما مشخص و معین شود . خوب دواصل اعلام شد همراه با دو اصل شاید برحسب اتفاق و شاید در آمیخته ای از تأثیراتی که آن دو اصل اعلامش را ضروری نیساخت فرمان دیگری هم صادر شد و آن فرمان آزادی متجاوز از پانصد نفر از زندانیان سیاسی بود یعنی عفو پانصد نفر و در نتیجه متجاوز از ۳۰۰ نفر از آن عده آزاد شدند خواه این وقایع را بهم مربوط بدانیم و خواه با یک ریشه جزئی عمیق بخواهیم بهم مربوط کنیم هرگاه بطور دقیق از کنار این مسئله ای که ما غالباً خیلی بسادگی عبور کردیم و غالباً شنیدیم که یک عده خرابکار پیدا شدند بعد گفتید پیدا کردیم و مجازات کردیم بعد دیده ایم یک عده ای دیگر پیدا شدند حال بیائیم یکبار از کنار این مطلب بسادگی نگذریم اینهایی که عنوان خرابکار پیدا میکنند اینهایی که عنوان فریب خورده پیدا میکنند اینها که بحق مستحق مجازات میشوند

زیرا ، وقتی دندان کرم خورد و به آخرین مرحله رسید و ایجاد تعفن در بدن کرد باید کشید در اینکه در این مرحله باید کشیده شود حرفی نیست حتی اگر چشم باشد اگر باین مرحله رسید و ایجاد تعفن کرد هر چند عزیز است باید بیرون انداخت پس در اینکه باید چنین خاطیانی را مجازات کرد سخنی نیست اما یک جای دیگر جای سخن هست و آن این است که چرا تکرار میشود چه عللی است که سبب تکرار این حوادث میشود . . . نفر شوخی نیست چه عللی موجب تکرار این حوادث میشود باید مورد بررسی قرار گیرد و من میخواهم اینجا از کنار این موضوع نگذرم چون ارتباط دارد به آن فضائی که دواصل در آن فضا اعلام شده بآن فضائی که دولت در آن فضا مسئولیت های خاص و عظیم پیدا کرده است اول کیفیتی که از آن صحبت میکنم این است که بیائیم یکبار تا حدی که وقتان اجازه میدهد به علل این مسئله بپردازیم این کیفیت به اعتقاد من بدو دسته علل ارتباط دارد یکی علل خارجی و دوم علل که در داخل مملکت ایجاد میشود عللی که در داخل مملکت ما سبب میشود که گروههایی در معرض فریبکاران قرار بگیرند ، عللی هم در خارج وجود دارد که سبب میشود گروهی همیشه در معرض فریب باشند و داس مرگ روی سر عده ای از جوانان ما باشد تا کدام بار بتوانند سری را با داس خودش ببرد علل خارجی چیست در دنیای امروز محافل سیاسی خاصی هستند در کشورهای مختلف در تمام کشورهایی که طمع های استعمار گرانه دارند . محافلی هستند که یکی از ابزار کار این محافل تجهیز و تحریک گروههای مختلف اجتماعی است در کشورهای مختلف شما اگر امروزه خبرهای رادیو از قاره افریقا تا آسیا گوش بدهید حتی در کشورهای اروپائی از هر نوع که باشند می بینید که محافل خاص سیاسی از گروههای مختلف بارنگهای استعماری مختلف از سرخ و سفید یارنگ سیاه در کار نفوذ در اجتماعات دیگر هستند در کار برانگیختن اجتماعات دیگر نفوذ در نقاط ضعف و استفاده کردن از تفرقه در تمام کشورهای جهان هستند و در داخل کشور خودشان محافلی دارند که آن محافل به تجهیز یک نیروهای زیرزمینی میپردازند این نیروهای زیرزمینی وظیفه شان اینست که از تمام نقاط ضعف استفاده کنند و در انواع و اقسام اجتماعات نفوذ کنند و برای مطامع آن محافلی که آنها را اداره می کنند طعمه فراهم کنند این اجتماعات هستند و نوع فعالیتشان گوناگون است و این اجتماعات

در زیر زمینها باهم همکاری دارند یعنی این اجتماعات نه این است که سرخ سرخ باشند نه اینست که یا غربی و یا شرقی باشند با هم تباری های پشت پرده دارند این عوامل متعددند ولی در هر زمانی یک یا چند گروه از اینها نقش فعلی پیدا میکنند ، به تناسب موقعیت خاصی سیاسی که بوجود میآیند . و یک رشته نفوذی هم ندارند انواع و اقسام گروههای زیرزمینی را هدایت میکنند ، فعالیت های سیاسی و مسلکی است که در این زمینه یک ابزار استحان شده و مؤثر آنها برای جنگ سرد حربه مارکسیسم و کمونیسم است هر دوین و انواع دیگر فساد است کوشش این گروههای زیرزمینی که بوسیله محافل خاصی اداره میشوند جرثومه های خارجی این فساد است که هدیشان فریب دادن گروههایی است از جوانان . این عوامل خارجی ارتباط به دیپلماسی و روابط دیپلماسی ندارد ممکن است در عین حال محافلی در همان کشور باشد که علیه شما فیلم تلویزیونی تهیه کند ، کتاب تهیه کند ، گروههای مختلف را هدایت کند ، افراد مختلف را مورد حمایت قرار بدهد در عین حال در عالم دیپلماسی با ما خیلی متمسک باشند خیال نکنیم که اگر گروهی در کشوری باشد آن کشور باید با اعلان جنگ کند . نه در عالم دیپلماسی خیلی هم قیافه متمسک دارند ولی در عالم واقعی در داخل آن کشور محافلی هستند که این اقدامات را علیه هر کشوری که بتوانند انجام میدهند این عامل خارجی است و از قدرت ما هم خارج ، مثل یک میکروب است شما تمام باسیل ها را نمی توانید معدوم کنید از بدتان خارج است ولی در این دنیای پر میکروب سلامت خودتان را نمیتوانید حفظ کنید . این عوامل خارجی را اجازه بدهید کمی روشن تر عرض کنم با اعتقاد من این محافل خارجی است که ترکیب و پیوندی هستند از چپ و راست از سرخ و ناسرخ این محافل که وجود دارند اعلامیه هایشان را علیه ملت ایران صادر کرده اند نه اینست که مقاصد خودشان را پنهان کرده باشند ، نه اینست که نگفته باشند با ما چه میخواهند بکنند اینها اعلامیه های خودشان را علیه ملت ایران صادر کرده اند اگر یک روز ما در تله اینها بیفتیم هیچکدام نمی توانیم بگوئیم ما تمیدانستیم و خبرداشتیم . نه ، ما خبر داریم بطور این اعلامیه ها را داده اند بشما عرض میکنم شما تمام مطبوعاتی که امروزه در آمریکا و اروپا اول بفارسی وبعد بلهجه های ایرانی و بعد هم به زبانهای خارجی منتشر میشود بآوردید و اگر مطبوعات ملی خودمان را یعنی تمام آنچه را که با بودجه دولت

چاپ میکنند و آن نشریاتی که جناب مظهری اشاره کردند یعنی نشریات بی ثمر و دور ریختنی و روزنامه های کیهان و اطلاعات و رستاخیز را هم روی هم بگذارید در برابر آن کپه از نظر تنوع هیچ است و این خود دلیل است که این مخارج مطبوعاتی از جیب دانشجو برداخت نمی شود بودجه این نشریات بودجه ای نیست که بشود با پول دانشجو اداره اش کرد چون توجه داریم ما با تمام بودجه مملکتمان نسبت ناچیزی از آن نشریات منتشر میکنیم . همان محافلی که به آن اشاره کردم از چپ و راست مخارج چنین تبلیغاتی را اداره می کنند اما حجت آنها ترسناک نیست دعاوی که اینها دارند و هدف گیری ها و سمت گیری های نیروی بیگانه را علیه ملت ما نشان میدهند ، با اعتقاد من اگر یک بار این نشریات را ملاحظه کنید علیه اشخاص نیست علیه من و شما نیست ، علیه آقای آموزگار و هیئت دولشان نیست ، علیه آن چیزهایی است که بتواند کل موجودیت ما را براق کند علیه نظام شاهنشاهی و علیه وحدت ما است علیه آن چیزی که وحدت ما به آن بستگی دارد (یک نفر از نمایندگان - موفق نمی شوند) بنده هم میدانم که موفق نمی شوند ولی باید جبهه خود را بشناسیم و علیه آن بسیج کنیم اگر بگویم خطری نیست و دشمنان ما موفق نمی شوند پس در حزب را ببندیم ، اما نه خودمان را فریب ندهیم اینها محافلی است که وجود دارند شما به بینید در کشور ما نیکه این محافل وجود داشتند و برایشان نقشه داشتند سالها منتظر نشستند تا موقعیت مناسب بدستشان افتاد به بینید در آنجاها چه کردند داستان اتیوپی داستان ساده ای نیست .

اتیوپی امروز داستان کهنه ای نیست هنوز پرونده اش روی میز است آنجا هم اگرده ، بیست سال پیش میگفتند برای اتیوپی یک چنین برنامه تجزیه طلبی طرح کرده اند عده ای میگفتند اینها به ثمر نمیرسد اما این خوش بینی است ملتی بیدار است که خطر را لمس کند و بعد از اینکه خطر را شناخت و لمس کرد خود را مجهز و آماده نگه بدارد اینها دعاوی خودشان را علیه ما مطرح کرده اند آنها از تجزیه نقاط مختلف ایران سخن میگویند نه تنها سخن میگویند طراحی میکنند آدم تربیت می کنند برای تجزیه و شاید هیئت هائی تعیین میکنند تمام این دعاوی را ، این لطمات و این خطراتشان را به چشم ببینید پس این موجودیت میکروب خارجی امت که وطن ما را مورد خطر قرار میدهد هدف گیری این میکروب ها هر گروهی است که ضعیف باشد هر گروهی که غافل و اسکان فریب

خوردنش باشد، اما از لحاظ داخلی یک سلسله عللی هست که آنها تقویت میکنند و جامعه ما را آسیت پذیر میکند این خطر را شاید بتوانیم دودسته بکنیم بدو دسته مثبت و منفی اولاً هیچ جامعه‌ای اگر هیئت رهبری کهنه‌اش نتواند سریع‌تر از خواستها و امکانات آن جامعه حرکت کند همیشه در آن جامعه یک حالت عدم رضایت نسبت به آن حکومت وجود دارد برای ملت ایران فقط شاهنشاه است که جلوتر از جریان حرکت میکنند بواقع فقط شاهنشاه است که جریان را زودتر از وقت احساس میکند، تدبیرها و راه‌های خودشان را ارائه می‌فرمایند اما چرا این نیست خیزد تمام تار و پود این اجتماع نفوذ نمیکند و در همه جا روح فعال و مثبت را بوجود نمی‌آورد این یک نکته‌ای است که باید از کنار آن هم نگذریم من عقیده خودم را در این مورد عرض میکنم جامعه، هر نوع جامعه‌ای که باشد بر اساس یک نوع سلسله مراتب و مرجعیت می‌گردد درست است که شاهنشاه سبب انقلاب و رستاخیز و آرزوهای ما هستند اما برای اینکه شما یک کلاس سی نفر شاگرد را معتقد کنید به آئین انقلاب و آئین رستاخیز و آئین حیات ملت ایران فقط یک راه دارید و آن اینکه معلمی که در آن کلاس است خود سبب باشد هر معلمی که در سطح کلاس سی نفریست باید نقش را داشته باشد که شاهنشاه ما در سطح کلاس سی میلیونی ملت دارند اگر آن نقش را داشت و اعتماد را برانگیخت آن حالت و نمونه بودن را داشت آن کلاس به سبب آن مرجعی که از آن تقلید میکند می‌یوندد به رستاخیز ایران و الا اگر این کلاس معلمی داشت که آن معلم به هیچیک از این حرفها معتقد نبود و بخاطر اینکه حقوقش از عمله سرخیابان کمتر است اما آمد سر کلاس و ایستاد و سخنرانی داد و گفت من ناراضی هستم برای اینکه اینجا آنچه آنچنان مملکتی است که عمل می‌گیرد روزی ۶ تومان و من می‌گیرم روزی ۲۰ تومان این شاگردان وقت نمی‌توانند از آن معلم تقلید کنند این معلم را نمی‌تواند رهبر بداند و بیوند این کلاس با فرماندهان با انقلاب و رستاخیز گسیخته میشود و اگر می‌خواهیم آن روحی را که شاهنشاه الغاء میکنند به تمام سطوح نفوذ کند می‌بایست یک سلسله مراتبی از ایمان و اعتقاد نمونه بودن بوجود بیاوریم که این از سطوح بالا آغاز بشود و کشیده بشود به هر کلاس و روستا و به هر کارخانه و به هر مزرعه برود و در هر محیطی یک کسی را به بیند که مظهر این انقلاب و اعتقاد و رستاخیز است و یک نمونه و شاگرد کوچکی است از شاگردان شاهنشاه، اگر این را دیدید

اعتقاد پیدا می‌کنید اگر چنین نمونه‌هایی را ندیدید می‌گویند بله ما قبول داریم که شاهنشاه ما می‌خواهد این مملکت پیش برود و برای این کار هم برنامه‌هایی عالی ارائه میدهند ولی وای از کسانی که برابر ما هستند و ما نمی‌توانیم به آنها اعتقاد داشته باشیم ما آنها را می‌بینیم آنها نمونه خوبی نیستند این جوری است که دانشگاهها را شما می‌بینید که طبیعتش عوض میشود آن بچه‌ایکه با یک دنیا شور ایران دوستی و مین پرستی بدانشگاه میرود چون در این مرحله است در این جالیدرمی خواهد دانشجو کسی را می‌خواهد که بتواند از او تقلید کند معتقد به این نظام شاهنشاهی باشد که اگر پیدا کرد و دو آتشه میشود و اگر پیدا نکرد دچار تزلزل و تردید میشود نقطه ضعف و قوت آسیب پذیر شد می‌افتد توی دست آن دستگاهها و آن تبلیغات و آن دستگاهی که دیگر درید مانیت که کم و زیادش کنیم این جور است که آسیب پذیری درست میشود در ارتباط با این جنبه مثبت در هر محیطی در صورتی محیط می‌تواند به صف رستاخیز به صف انقلاب و مقام شاهنشاهی به پیوندد که یک نمونه خوب یک سبب خوب در جلوی این صف به بیند در ارتباط با آن مسئله ماجراهای دیگری هم پیش می‌آید، این ماجراهای یکی فساد است فساد نه تنها آن حالت نمونه و سبب را بهم می‌زند بلکه در هر محیطی که پیدا شود اصلاً یک سبب هائی برای رواج فساد پیدا می‌شود یعنی نه تنها به نمونه‌های مثبت اجازه فعالیت نمیدهد بلکه نمونه مخرب را جایگزین نمونه‌های دیگر میکند چرا تکلیف خود را انجام نمی‌دهد فکر میکند فلانی که تکلیف خود را انجام نداد و فساد هم بود و فلان مبلغ هم بلند کرد و حالا هم صاحب آلفا و الواف است ولی من صاحب هیچ چیز نیستم شما اگر یک گروهی داشته باشید که از نوع همان نمونه‌ها باشد و بطور جدی مبارزه کنند و فعالیت کنند و اندیشه‌ها را دگرگون کنند و مردم را به اندیشه‌های ملی معتقد کنند و آنوقت شما میتوانید این محیط را دگرگون کنید ولی هنوز که نگردید هنوز حزب صفوف خودش را به دانشگاهها نبرده هنوز اگر وزارت آموزش و پرورش مدعی است و یک نوع تبلیغات ملی و میهنی میکنند که من هم معتقدم که میکند اما کافی نیست این تبلیغات هنوز همه را به‌ورد تأثیر قرار نداده پس ملت یک محیط بگری را که در آن عنصر فشار ضربه

میزند عنصر مالهای بی‌رنج باد آورده هم ضربه دیگری می‌زند که در رأس این نوع مسائل و موارد باید مسئله زمین را ذکر کنیم، زمین خواری و بولداری شدن از راه خرید و فروش زمین یک نوع فتوالیسم است بیچاره فتودال که اصلاً من نمیدانم در ایران داشتیم یا نه ولی یکعده بی‌رنج صاحب گنج میشده‌اند اینها فتودال بودند حالا اینها که از راه زمین و راه آپارتمان سازی اغاشه میکنند و مال می‌اندوزند اینها هم بدتر از آنها هستند برای اینکه گروه عظیمی را در اختیارشان گذاشته‌ایم که استعمارشان کنند حالا یک نمونه‌اش زمین است فعالیت‌های دیگری هم هست آن یکی که اصلاً در مقاطعه سهمی ندارد ولی سهم می‌برد و آن کسی که در قرارداد هیچ نقشی ندارد ولی سهم می‌برد آنها هم گنجهای باد آورده پیدا می‌کنند. اگر به اثرات اجتماعی توجه کنید ملاحظه می‌کنید بسیاری از بی‌انضباطی‌ها که در محیط دانشگاهی و کارخانه‌ها هست، همه در ارتباط با مسئله زمین است یعنی یک نوع اعتقاد واقعی اجتماعی پیدا شده حالا نمیدانم خوب است یا نه ولی همه اعتقاد دارند بجای این درسها که می‌خوانند و تحقیقاتی که میکنند و رنجهایی که می‌برند اگر ۲۰۰ متر زمین در جای مرغوب می‌خریدند متری یک تومان و حالا متری ۱۰۰۰ تومان می‌فروختند از همه آن کارهایی که میکردند بهتر بود این شده است یک واقعیت اجتماعی و این مسئله زمین خواری شئون دیگری را مورد حمله و هجوم قرار داده و در نتیجه آن محیطی اعتقادی و بی‌مرجمی را برای نسل جوان بوجود آورده این گونه مسائل را در روزنامه نمی‌نویسیم و خیال می‌کنیم مردم نمیدانند این یک اشتباه بزرگ است شما خیال میکنید با تشکیل حزب رستاخیز گفت و شنود در این مملکت پیدا شد، گفت و شنود همیشه وجود داشته هر کس ده دقیقه مسیری را در تاکسی طی کند تمام اخبار دست اول را بدست خواهد آورد. اگر خبر بوسیله مراجع خبری انتشار پیدا نکرد معنی این نیست که وجود ندارد و انتشار هم پیدانی کند خبری که هست انتشار پیدا می‌کند منتها همانطوریکه جناب مظهری فرمودند وقتی که خبر بوسیله مراجع غیر مسئول، انتشار یافت اغراق آمیز میشود. چون خبرنگار یک عضو مسئول است اگر خبر را بفرستد اگر صد را بنویسد دوست همه از او توضیح میخواهند سردبیر، وزارت اطلاعات همه‌شان توضیح می‌خواهند که صد را بایستی بنویسی صد چون در قلمرو وظیفه خودش نسبت به حرفه خودش مسئول است ولی وقتی که شما می‌گذارید روی شبکه غیر مسئول

بخش شود صد را میکنند پنج میلیون و هیچ کار نمی‌توانید بکنید این پنج میلیون میرود در ضمن مذاکرات خانواده‌ها روی ذهن جوانان اثر می‌گذارد جوان این بار را با خودش عمل میکند میرسد به محیط دانشگاه و برابری‌های دیگر قرار میگیرد که مسئولیت ندارند وقت هم دارند شور جوانی هم مناسب است این مسائل را آنجا مطرح می‌کنند آن محافل که باید از این محیط بذر پاشیده شده و آماده استفاده کننده با دستهای پنهانی در این محیطها ظاهر میشوند آنوقت شما می‌بینید که رده به رده عناصر خرابکار وارد اجتماع میشوند یک دسته را کنار می‌گذارند دسته دیگر ظاهر میشوند پس در ارتباط با این مسئله است که شاهنشاه این دو فرمان را صادر فرمودند، مسئله مسکن در ارتباط با قیمت زمین یک مأموریت بزرگی است که به دولت داده شده باید به این بازی واقعاً پایان داد من فکر نمی‌کنم دیگر از این بیشتر جامعه تحمل داشته باشد که کسانی از راه گنجهای باد آورده که یک نمونه آن زمین است فعالیت و کار کنند و شئون دیگر جامعه ما سالم بماند، من فکر می‌کنم اینکار خودش رسیده در مورد فساد، در آن موردی که باید چشمها باز باشد در آنجا هم شاید مسئله به حد رسیده بهرحال ما با هر تدبیر و وسیله‌ای که شده باید بتوانیم جلوی فساد را بگیریم در کشوری که مرحله پیشرفت رسیده دیگر بیک مرحله‌ای رسیده است که اگر یک مسئولش، یک مجریش نتواند توضیح بدهد که در فلان بانک نمی‌دانم ۱۲ هزار دلار یا ۱۳ هزار دلار که از کجا آورده بود و در بانک آمریکا گذاشته و رفت و باید ما هم به آن مرحله برسیم که هر کاری در این کشور حساب و کتاب داشته باشد و برای مردم روشن شود و به این مرحله هم رسیده‌ایم باید هر یک ریال از درآمد و منافع ملی حسابش معلوم باشد و مسیروش باید تعقیب شود تا آن روزی به ثمر برسد که هیچ یک ریالی نباشد که مسیروان نامعلوم باشند این را عرض میکنم نسبت باشخاص صحبت نمیکنم اینجا اعمال است که مورد بحث است هر عمل غلط محکوم است حالا هر کس آن عمل را کرد محکوم است همه افراد قابل احترام هستند بخصوص عده‌ای از آنها که مسئول امور اجرائی هستند دوستان عزیز ما هستند شاید آرزوی نیمکت‌های مدرسه با هم زندگی تحصیلی و سیاسی را شروع کردیم ولی این سخنی است جدا ما اینجا راجع به شخص صحبت نمیکنیم هیچ شخصی برای سینه مارک دار نیست و هیچ شخصی هم برای ما بال

فروخته ندارد ما از اعمال خوب و بد صحبت میکنیم اگر
توانید برخزانه ملت نظارت کنید اگر نتوانید مسیروارزهای
گرامی ملت را دقیقاً زیر نظر بگیرید کار بدی است اگر
نتوانید این مسیر را با دقت پی‌جویی بکنید و ببینید که
هر یک ریالی که می‌آید به خزانه دولت به کجا می‌رود چه
مسیری را طی میکند چه راهی را می‌بیناید این کار راه
که بکند خوب است و هر چه در زمان او سبب شده است
صحت از داستانهای دویمت بیلیونی مطرح شدن علل
محکوم و نابسند است هر کس هم دستش در جیب اعمال
آلوده باشد باز هم محکوم است بنابراین قضیه را روشن
کنیم که در اینجا جو و فضا و در این اوضاع و احوال که به
اعتقاد من اینچنین است اگر غلط می‌گوییم اصلاح بفرمائید.
ما اینجا گفت و شنود میکنیم در این جا این دواصل اعلام
شده والا شما میدانید اصل نوزدهم تازگی ندارد، قانون
از کجا آورده‌ای داشتیم ولی تبدیل شد به یک پرشنامه
بی ثمر و بعد جناب کاتوزیان تشریح آوردند اینجا و مشکل
بایگانی خودشانرا در مورد مسأله از کجا آورده‌ای حل
کردند یعنی اجازه گرفتند که بایگانی نکنند و پرشنامه
جمع نکنند تا هر وقت که لازم است این کار را بکنند و
معدالکمن این را عرض کنم که در دستگاه‌های نظامی به
دلیل مراقبت مستتیمی که شاهنشاه می‌فرماید مسأله مبارزه با
دقت عمل شد و ملاحظه کردیم در سطوح خیلی بالا هم
کسانی که در معرض اتهام قرار گرفتند و متهم شدند،
مجازات شدند. باز هم اگر ما پرشنامه جمع نکنیم ولی
چشم باز داشته باشیم و مسیر دارائی ملت را دنبال بکنیم
پسندیده است اما چرا اصل نوزدهم دو مرتبه مطرح شد
چرا بایک تأکید خاص مطرح شد برای اینکه این یک
نوع مرحله خاصی است که باید مسأله سوء استفاده از
اموال عمومی در این کشور ریشه کن شود این یک
رسالت است برای حکومت شما. ما این مسأله را
میشناسیم و شما هم حتماً همینطور میشناسید در متن برنامه
شما هم آمده و براساس این توافق ما در آینده هم گفت و
شنود خواهیم کرد که ما انتظار داریم این دو اصل
یعنی پایان دادن به گنجهای باد آورده، حال از راه زمین
است از راه مقاطعه کاریهای نامشروع است یا از راه
هر نوع فعالیت‌مفنون و نامشروع که شاید بظاهر یک
چهره قانونی دارد، کسی قرار باشد زنج نبرده صاحب
مال بشود بموجب اصل ۱۸ انقلاب محکوم است و
هر کسی بخواهد نظر آلوده به صندوق دولت و ملت
داشته باشد از نظر اصل نوزده ایران قابل تعقیب است
عمل او، عملی است ناپسندید و به این نحو من فکر میکنم

عمل آنها بعد نشان میدهد این عبارات را چگونه میشناختند و
چگونه درک میکردند و چگونه درصدد بودند که به این عبارات
محتوی و مفهوم به بخشد اما از لحاظ ما نمایندگان
مفهوم این عبارات آن چیزی است که بیان میکنیم چون
ما شائمان در اینجا بیان کننده است. ما یک بیانی داریم
که می‌گوئیم و نکته بسیار جالب برداشت دولت است و
من برآستی و از صمیم قلب آرزو میکنم که دولت در این امر
توفیق داشته باشد و این اتکاء بر آن درآمد ارزی است که
بعین اشاره شده اینجا گفته شده که ما ۱۶ میلیارد واردات
داریم نیم میلیارد صادرات غیر نفتی داریم بارها گفته شده
است که این نفت در یک مدت زمانی بیایان میرسد پس
در یک مدت زمانی اگر ما بخواهیم صادرات و واردات را
حفظ کنیم باید تولید داخلی که بتواند ایجاد صادرات
کند اعم از صادرات کالاها و خدمات به ۴۶ برابر
برسد این و افعال خدمت بزرگی است ولی خدمتی است که
میتوانیم به آن برسیم و من آرزو دارم که بینیم دولت در
آن موفق شده وزیر بناهای استوار این کار را فراهم
آورده و مسیر تولیدی دگرگون شده است و ما میتوانیم در
طی مدتی که درآمد نفتی ما نقصان می‌گیرد و شاید زمانی
به صفر میرسد ۲۰ سال دیگر
در این مدت سی سال ما باید تولیدات واقعی خودمان را اقلا
سی و دو برابر کنیم این یک نکته بسیار دقیقی است با اعتقاد
من یکی در مورد آن مسئله اول و یکی در مورد این
مسئله است که احتیاج داریم به حزب واحد معینی حزب
واحد در این مملکت بعنوان سمبل وحدت ملی، سمبل
اتحاد ملی باید وجود داشته باشد برای اینکه ماسی خواهیم
یک چنین دگرگونی عظیمی در شئون حیات اقتصادی و
اجتماعی بوجود بیاوریم که در عرض سی سال بدون
اتکاء بر درآمد نفت بتوانیم صادرات خودمان را سی و دو
برابر کنیم.
این یک نکته بسیار مهمی است. در این مورد باید گفت
که ملی شدن نفت در این مملکت گام مهمی بود که
برداشته شد ولی از سال سی و دو به بعد ما وارد مبارزه
واقعی در راه استیفای واقعی حقوق ملت ایران شدیم و در این
راه گامهای بلندی برداشتیم و امروز از طریق عواید نفت
در برابر عواید ناچیز گذشته هرسال صاحب بیش از
بیست میلیارد دلار هستیم، اما در این راه یک گام دیگر
باید برداریم. که باین گام بلند در این برنامه اشاره شده
است. ما نفت را ملی کردیم یعنی در اختیار خودمان
گرفتیم و در راه مصالح و منافع این ملت و براساس سیاست

مستقل ملی استفاده می‌کنیم حالا باید یک گام بلندتری
برداریم و آن اینست که عواید نفت را در سیاست مستقل
ملی ایران قرار دهیم، ما نباید هر چه می‌فروشند بخریم باید
هر چه می‌خواهیم بخریم. این عواید نفت برای وارد کردن
بودر و ماتیک و اتومبیل‌های گران قیمت و برای خرید
آبارتمان در خارج، برای خرید هتل در خارج، و برای
خریدن جزیره تفریحی در خارج نیست، این عواید نفت
ما باید منحصرأ در راه صنعتی شدن این کشور و در راه
ایجاد تکنولوژی ملی، در راه آموزش نیروی انسانی این
ملت بکار برود و پس. البته در اینجا مصالح دفاعی ما
مصلحتی است که با چشم باز و دید ژرف شاهنشاه آریامهر
تعیین میشود. در این راه آنچه که لازم باشد بهمت
شاهنشاه بصیر ما صورت می‌گیرد. و جزاین مورد نباید
دیناری از عواید نفت در مسیر غیر تولیدی بکار رود و
برای تسخیر تکنولوژی و وارد کردن کارخانه در راه
تحصیل اشخاص باید نظارت وجود داشته باشد. یک
تحصیلی که ضایعات نداشته باشد. ما بسیاری از
جوانهای خودمانرا رها میکنیم در اروپا و آمریکا و
آسیا و اینها می‌روند و مدتی سرگردانی میکشند. این
ضایعات است.

ما باید برای مدتی از محیط‌های تحصیلی خارج استفاده
کنیم. این حق ماست و این ضرورتی است که وجود
دارد اما اعمال این ضرورت باید مهار شده باشد و نظارت
داشته باشد. باید درست بدانیم که در چه رشته‌هایی
می‌خواهیم استفاده کنیم، چه شاگردی را بفرستیم آنجا
که با کمترین ضایعه آن درس را بیخواند و برگردد ما
بر روی تحصیلات خارجی کنترلی نداریم، تحصیلات
داخلی ما ضعیف است، از لحاظ کمی برای اینکه
نمی‌توانند تمام داوطلبان را جذب کنند، من نمی‌گویم
تمام داوطلبان را در دانشگاه جذب کنند بلکه در
رشته‌های مختوم بشغل جذب کنند. این
رشته مختوم بشغل ممکن است ۹ سال، ۱۰ سال،
۱۲ سال و یا حتی ۲۰ سال دوره‌اش باشد. ولی این
رشته‌های مختوم به شغل باید آنچنان باشد که مناسب
توزیع شده باشد، که شاگرد بیاید درس بخواند، تعلیم
ببیند و آماده جذب شود، و وارد بازار کار شود. ما
چون سیستم آموزش داخلی کشورمان کسش ندارد سال
بسال نیازمان به آموزش خارجی بیشتر میشود. شما به
آمار کسانی که می‌خواهند در امتحان اعزام شرکت کنند
اگر توجه بفرمائید متوجه میشوید که خانواده تقصیر

بخرد بعد برود از بانک ارزبخرد با این پول که در مقابل صدور زبیره است برود اتومبیل بیاورد. اگر واقعاً یک چنین سیاسی وانگیزه‌ای وجود دارد برگردیم به سیاست تعلیق و بیانییم انواع واردات را موکول به انواع خاصی از صادرات کنیم. ارز نفت را بگذاریم منحصراً برای اموری که جنبه سرمایه‌گذاری نسبت به آینده دارد و سایر مواد مورد نیاز خودمان را از ارزهای دیگری که از طریق صادرات کالاهای دیگر بدست می‌آید تأمین کنیم. از این راه شما می‌توانید بهترین مشوق باشید برای صادرکنندگان. من چون اهل تخصصی نیستم نمی‌توانم قاطع نظر بدهم ولی آنچه معلوم است نباید ارز نفت برای تجمل صرف شود. اگر ارز نفت با این بی‌بندوباری که هر روز و هر شب بانک‌هایی اعلام می‌کنند که هر اندازه ارزی خواهید در اختیارتان می‌گذاریم خرج شود صحیح نیست این پولها از کجا آمده است؟ این پول نفت است این پولی است که باید شاهراهها در این مملکت بوجود آورد. صنعت مدرن را بوجود آورد و کشاورزی مدرن را بوجود آورد. این پول با آورده نیست که هر کس برود در خارج هر چه خواست خرج کند و هر چه خواست بخرد این راه صحیح برای استفاده از ارز نیست و مسلماً اگر این راه را ادامه دهیم آنوقت نمی‌توانیم یک بسیج منابع و نیروی انسانی داشته باشیم و برویم بطرف مسیری که در عرض سی سال موفق شدیم تولیدات داخلی خودمان را به ۳۲ برابر برسانیم. این رقمها گفتنش ساده است ولی آنهایی که اهل حساب و کتاب هستند می‌دانند رقمهای بزرگی است و این گشاده دستی‌ها و گشاده بازها پایه‌های استواری برای رسیدن به این امر پیدا نمی‌شود.

من به عرایض خودم گرچه نکات بسیار دیگری دارم که باید عرض کنم، پایان می‌دهم و واقعاً یک باردیگر می‌گویم از صمیم قلب برای جناب آقای آموزگار و همکارانشان توفیق آرزو می‌کنم که حقیقتاً در این راه با آن بصیرتی که شایسته است گام بردارند و باشد که هر چه زودتر به مقصود نائل آیند. متشکرم (احسنت).

۳ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

رئیس - با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز یکشنبه خواهد بود. (جلسه ساعت یک با مدام پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

ندارد شاگرد هم تقصیر ندارد اما ظرفیت دانشگاهها و مدارس ما نمی‌کشد و جذب نمی‌کند. یک عده پس مانده این سیستم ناچارند، این عده بهر حال راهی خارج می‌شوند و سالها در خارج سرگردانی می‌کنند تا رشته خودشان را انتخاب کنند این طرز صحیحی برای بهره‌گرفتن از مدرسه‌های خارج نیست. ما به این مدرسه‌های خارج حق داریم شاگرد بفرستیم و با پول نفت هم بروند تحصیل کنند ولی از ضایعاتش باید جلوگیری شود. این کار باید زیر مهار باشد موقه‌یکه لایحه تشکیل وزارت علوم تدوین میشد به این مسئله توجه کردند و جزو وظایف وزارت علوم گذاشتند ولی از آن سال تا بحال روز بروز نیاز ما به مدارس خارجی بیشتر شد و کنترل و نظارت مان در مورد دانشجویان کمتر شد پس ما حق داریم از عواید نفتی مان در مورد آموزش استفاده کنیم ولی در یک مسیر دقیق تنظیم شده و لا غیر.

حال یک وقتی این بحث در کمیسیون بودجه بمیان آمد و مدافعین این بحث توضیح دادند که اولاً آنچه که اشخاص در خارج هم داشته باشند دارائی ملی ماست من این تعبیر را صحیح نمی‌دانم هر چه افراد ایرانی در خارج داشته باشند دیگر جزو دارائی ملی نیست اگر بحساب بیاوریم در خیلی از چیزها را گشوده ایم ثانیاً یک نوع اعتقاد که ما باید به مصرف داشته باشیم قبول داریم برای اینکه زیاد مهاجرت کنیم قبول داریم که مصرف انگیزه تولید است برای اینکه جامعه باید مصرف کننده باشد تا دنبال تولید برود کار کند کوشش کند برای اینکه مصرف‌اورا و اندازه تولید کند و ترغیب بکار کند برای همین. استکه خریدهای از خارج، خرید کراوات و عطر، کت و شلوار و امثال اینها هم یک نوع انگیزه است. خیلی خوب این انگیزه را حفظ کنید ولی بچه حق؟ به این گونه خواسته‌های خودمان با پولهای نفت دست پیدا کنیم؟ این صحیح نیست. آنچه که مربوط به نفت است باید در راه مصالح رفاهی این نسل و نسل‌های آینده صرف شود. پول نفت را ما حق نداریم صرف اینگونه تجمل‌بازی‌ها بکنیم. اگر حتماً لازم است که این تجمل‌ها باشد یک بار دیگر برگردیم به سیاست تعلیق. ماسی سال پیش سیاست بسیار خوبی داشتیم که بسیاری از واردات این کشور معلق به صادرات بعضی از انواع کالاهائی شد یعنی با هر پولی هر چیزی را نمی‌شد آورد اگر کسی اتومبیل لوکس می‌خواست می‌توانست بیاورد ولی می‌باید از تاجری که زبیره صادر کرده گواهی ارزش را